

آقایان علوم انسانی ننگ نیست

از زمانی که بر تالان نظریه‌ی سیستم‌ها را ارائه داد و بولدینگ انواع سیستم‌ها را در نه طبقه، دسته‌بندی کرد، تا به امروز زمان زیادی می‌گذرد؛ چندین دهه! اما ما که مدعی بیشترین رشد علمی در جهان هستیم، هنوز به درستی متوجه نشده‌ایم که اگر سیستم‌های سطوح بالاتر، نیازمند نظریه‌های دقیق‌تری هستند به همان میزان نیز نظریه‌پردازان قوی‌تری را طلب می‌کنند. می‌دانیم که سیستم‌های سطح اول، ساده‌ترین سیستم‌ها بوده و برای درک و فهم آن‌ها نیازمند کنکاش بالایی نخواهیم بود. اما امان از روزی که بخواهیم سیستم‌های سطوح هفتم و هشتم را مورد بررسی قرار دهیم که یکی به انسان می‌پردازد و دیگری نقش انسان را در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. انسانی که به هیچ صراط خاصی مستقیم نیست.



همیشه حق با مسئولین است!	۲
آقایان! علوم انسانی ننگ نیست	۳
از کوخ تا کاخ نشینی	۴
انقلاب‌های رنگی در سرآشپزی سقوط!	۵
5G چیست و انتظار ما از آن چه خواهد بود؟	۶
سرگذشت ریال	۷
هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو با ریاست دکتر احمدی	۸
علم دینی یا علم سکولار؟ مسئله این است!	۹
نقدی بر نامه‌ی ده سالگی	۱۰
اندر احوالات طلاب اقامتگاه نرگس	۱۱
با تلاش و کوشش هیچ دری بسته نیست	۱۲



سیده سوما جوان کارآفرین دانشگاهی در گفتگو با چشمه:

با تلاش و کوشش هیچ دری بسته نیست

صفحه ۱۲

سیر آغاز

سیامک شادکام



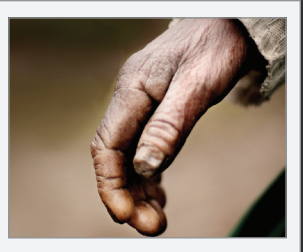
مشت نمونه خروار و وطن فروشان

۳۰ نفر از اصلاح‌طلبان سابق و ضدانقلاب‌های فعلی به سرلیستی احمدباطنی مرد زلف‌قشنگ! برخی از جریان‌های دانشجویی نامه‌ای به رئیس‌جمهور فردای کاخ سفید نوشته‌اند که آهای پرزیدنت ترامپ! ما سرباز شجاع آمریکاییم، بیا به این سربازان لطفی کن و ملت ایران را تحریم کن. اگر تاکنون احمد باطنی را به دلیل چاپ عکسش در مجله‌ی اکونومیست عده‌ای می‌شناختن و هنوز برای آنها خیانتش بعد از خروج از کشور مسجل نشده بود دیگر نمی‌توانند در خیانت بار بودنش شک کنند. جایی که حتی کارشناس بی‌بی‌سی درباره‌ی آن می‌نویسد: «آنکه با نامه به ترامپ تقاضای تحریم، تنبیه و حمله به کشورش را می‌کند، تنها یک نام دارد؛ خائن». اما خیانت باطنی پیش از این نیز برای خیلی‌هایمان اثبات شده بود. مشکل این جماعت فقط با نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه با مردمی است که حقوق نجومی نمی‌گیرند و در اوج تحریم صرافی نمی‌زنند. جماعتی که از نیمه‌های شب چندین ساعت در صف داروخانه‌های ۱۳ آبان و هلال احمر به دنبال دوا می‌باشند که مدعیان حقوق بشر و آن پرزیدنت کتوشلوارپوش ملت‌ها، آمریکا، از آن‌ها محروم ساخته‌اند. امثال باطنی نمونه‌ی لمپنی هستند، از کسانی که روی آمریکا حساب باز کرده‌اند و خود را به خواب زده‌اند. همان‌هایی که کاسبان واقعی تحریم‌اند. دیروز عکسی دیدم از حلب که روی دیوار نوشته بود: «وطن هتل نیست که پس از اتمام خدماتش آن را رها کنیم». درود خدا بر آنان که خود را نفروختند و جانانه حرف خود را در میدان جهاد زدند. نه آنان که هنوز دل به آمریکا بسته‌اند.



همیشه حق با مسئولین است!

چند روزی از حادثه‌ی تلخ و ناگوار آتش‌سوزی پلاسکو می‌گذرد و همچنان از اخبار عجیب و لحظه‌ای این ماجرا کم نشده است. درست در زمانی که مردم از شدت ناراحتی و خسارات وارده شوکه شده بودند و به امید زنده‌بودن هموطنان‌شان دست به دعا بودند، یافتن مقصر در شبکه‌های اجتماعی آغاز شده بود! مقصری که قرار نبود بر مبنای مدارک و سخنان ...



از کوخ تا کاخ نشینی

..او همانند شتر پرخور و شکم‌برآمده! همتی جز جمع‌آوری و خوردن بیت‌المال نداشت. بستگان پدریش به همکاری‌اش برخاستند، آنها همچون شتران گرسنه‌ای که بهاران به علفزار بیفتند، و با ولع عجیبی گیاهان را بلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآورند؛ اما عاقبت بافته‌هایش پنبه شد، و کردار ناشایستش کارش را تبه ...



سرگذشت ریال

«ریال» (روای: شاهی) نام سکه‌ی نقره اسپانیا و پرتغال است که در این دو کشور و مستعمرات آنان رواج داشت و ارزی جهانی به شمار می‌رفت. در اواخر سده‌ی هیجدهم میلادی، در ایران سکه «ریال» معادل یک‌هشتم تومان ارزش داشت. در زمان شاه‌طهماسب صفوی (اواخر سده‌ی شانزدهم میلادی و مقارن با دوران البیزات اول تئودور ...



هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو با ریاست دکتر احمدی

دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور با هدف اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع حوادث مشابه ساختمان پلاسکو و تقویت توان کشور در مدیریت بحران؛ در حکمی دکتر محمد تقی احمدی رئیس دانشگاه تربیت مدرس را به ریاست «هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» منصوب و از وی خواست تا ظرف دو ماه ...

تقدیر از خادمان حسینی

با حضور رئیس دانشگاه و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاون پژوهشی دانشگاه و برخی از مدیران فرهنگی و دانشجویی طی مراسمی از خادمین موبک ثامن الحجج (علیه السلام) در دانشگاه تربیت مدرس تقدیر و تشکر گردید. ابتدا دکتر مطهری مسئول موبک ضمن تشکر از عوامل دانشگاه گزارشی از برپایی موبک در ایام اربعین ارائه کردند و گفتند از اینکه با شجاعت به این عرصه در مقابل مسائل پیش‌بینی نشده ورود کردید بسیار سپاسگزاریم

و ان شالله به آن احساسی که می‌باید، دست یافته باشید. حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع نیز طی سخنانی خاطر نشان کرد: اربعین می‌رود به موجی جهانی تبدیل شود که ما طلیعه‌ی آن را امروز شاهد هستیم، همگام شدن شما دانشجویان با این موج بسیار ستودنی است. ایشان در ادامه سخنان خود ضمن تشکر از دانشجویان دست‌اندرکار این ابتکار افزود: صحنه‌هایی که در اربعین امام حسین (علیه‌السلام) خلق می‌شود در دنیا نظیر نداشته و ندارد و چه



خوب است هرکس به اندازه توان خود در ثبت و ضبط این صحنه‌ها تلاش کند. وی در همین زمینه از دانشجویان خواستند برای سال آینده در جهت روایت‌گری از واقعیت‌های ایام اربعین در قالب‌های مختلف تلاش مضاعف نمایند. در پایان مراسم با اهدای لوح تقدیر و هدایا از طرف رئیس دانشگاه و مسئول نهاد از خادمین و برپاکندگان موبک قدردانی شد.

پیاپاد آتش



بهار گل حقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد کشاورزی

چند روزی از حادثه‌ی تلخ و ناگوار آتش سوزی پلاسکو می‌گذرد و همچنان از اخبار عجیب و لحظه‌ای این ماجرا کم نشده است.

درست در زمانی که مردم از شدت ناراحتی و خسارات وارده شوکه شده بودند و به امید زنده بودن هموطنان شان دست به دعا بودند، یافتن مقصر در شبکه‌های اجتماعی آغاز شده بود!

مقصری که قرار نبود بر مبنای مدارک و سخنان کارشناسی تعیین شود، ملاک جناح‌بندی‌های سیاسی است!

گویی این افراد در میان آتش‌نشانی که برای حفظ جان و مال مردم به دل آتش زده بودند و مردمی که متحد در یک جبهه نگران آسیب دیدگان مالی و جانی مجموعه‌ی پلاسکو بودند، گروه‌کشی می‌کردند و هم‌گروهی می‌طلبیدند.

"شهرداری مقصر است و شهردار باید استعفا بدهد!"

"دولت مقصر است و باید پاسخگو باشد!"

اما خوشبختانه خیلی وقت است که این بازی‌ها برای مردم رنگ‌باخته است. مردمی حقیقی که پشت چندین حساب کاربری مجازی مخفی نشده‌اند و توسط ربات‌ها و حساب‌های جعلی در توییتر، تبدیل به ترند جهانی نمی‌شوند!

مردم با دیدی فراجناحی مسئولینی که با در نظر گرفتن منافع شخصی‌شان از خدمت کردن به مردم غافل شده‌اند، تشخیص می‌دهند. فرق مسئولینی که با

عزم جهادی برای حل مشکلات تلاش می‌کنند و مسئولینی که با لبخند و وعده‌های بی‌سرانجام وقت می‌گذرانند، می‌دانند.

و انتظار دارند همان کسانی که به شهرداری یا دولت معترض‌اند، به تمامی کمبودها و ضعف‌ها انتقاد داشته باشند و ملاک این انتقادات پیشرفت جامعه و عدالت‌طلبی باشد.

البته این جناح‌ها را از افراد معلوم‌الحال و معاندی که در ۹ دی ۸۸ توسط مردم خاک شده‌اند جدا کنید. افرادی که پشت این جناح‌بندی‌ها پنهان می‌شوند تا از هر اتفاقی که احساسات پاک مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، برای نفس کشیدن و روشن کردن آتشی در جامعه استفاده کنند. این افراد از همان ابتدای حادثه‌ی پلاسکو به اسم #لاشخورها نام‌گذاری شدند.

اما جالب است که در میان این

دعواهای جناحی هر دو طرف یک مقصر مشترک پیدا کردند و انگشت اتهامشان را به سمت مردم نشانه گرفتند!

بله، مردم مقصر هستند! مردم مقصر هستند که در اطراف محل حادثه جمع شده بودند و محل را ترک نمی‌کردند، در صورتی که ما برای استفاده از تجهیزات پیشرفته و مدیریت بحران در پایتخت ایران حضور مردم را

گویی این افراد در میان آتش‌نشانی که برای حفظ جان و مال مردم به دل آتش زده بودند و مردمی که متحد در یک جبهه نگران آسیب دیدگان مالی و جانی مجموعه‌ی پلاسکو بودند، گروه‌کشی می‌کردند و هم‌گروهی می‌طلبیدند. "شهرداری مقصر است و شهردار باید استعفا بدهد!" و "دولت مقصر است و باید پاسخگو باشد!"

همیشه حق با مسئولین است!



کرده‌اند و یا مسئولینی که آن‌ها را برای حضور در عرصه‌های مهم تأیید کرده‌اند مقصر نیستند. حتی این هنرمندان و ورزشکاران عزیز که از مردم می‌خواهند در موارد تخصصی حرفه‌ی آن‌ها دخالت نکنند و اکنون بر صندلی تصمیم‌گیری شورا نشسته‌اند و نظرات تخصصی می‌دهند، نیز مقصر نیستند!

مردمی مقصر هستند که برخلاف بعضی از مسئولین به دنبال منافع شخصی خودشان نیستند و در هر جایگاه و مقامی برای آبادانی و پیشرفت کشورشان تلاش می‌کنند و از دل همین مردم مقصر، آتش‌نشانان قهرمان، کاسبین منصف، جوانان انقلابی، افراد خیر، مطالبان عدالت، کارمندان پاک دست، مسئولین جهادی، مدافعان حرم و... متولد می‌شوند. و بدون شک باید معنی واژه‌ی مقصر در لغت‌نامه‌ی دهخدا را اصلاح کنیم!

محاسبه نکرده‌ایم! ما بارها به مالکین و افراد مجموعه‌ی پلاسکو اخطار داده بودیم اما متأسفانه مردم مقصر هستند که باید به دنبال یک لقمه‌نان حلال برای خانواده‌هایشان باشند و پلاسکو تخلیه نشد! متأسفانه زندگی‌شان با برجام و وعده‌های صد روزه رونق نگرفت و برای خرج زندگی باید تلاش کنند.

مردم اشتباه کردند که مغازه‌هایشان بیمه نبود! البته جای آقای وزیر خالی است تا این جمله را تکمیل کنند: "ما افرادی داشتیم که مرده‌اند اما خوشبختانه بیمه داشتند!" و مردم نباید به افرادی همچون بازیگران، ورزشکاران، خوانندگان و... رأی می‌دادند، زیرا آن‌ها صلاحیت و تخصص حضور در شورای شهر را ندارند! اما مسئولینی که این بازیگران را تبدیل به الگوهای جامعه‌ی اسلامی

بسم رب الشهداء

تلخ برایمان جای شکر ندارد و همه می‌خواهند بگویند من هم بودم... حتی اگر خیلی تلخ باشد تا شاید فیلمی یا عکسی که او دارد بیشترین لایک را در شبکه‌های اجتماعی بخورد. چه عبث به دنیا نگاه می‌کنیم و چقدر پیشرفت صنعت به جای پیشرفت اخلاق به ما پوچ بودن را آموخته است.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ

دلم آتش گرفت، وقتی مردم را با موبایل‌هایی در حال ضبط فیلم، بالای ماشین‌های آتش‌نشانی دیدم. نمی‌دانم روان‌شناسان و جامعه‌شناسان چه تفسیری از این حرکت خواهند داشت! ولی می‌دانم، خیلی از روزهایی که اگر در زمان واقعه‌ای در محل حضور داشتیم آن را امتحان الهی می‌دانستیم و توکل بر خدا هر کاری از دستمان برمی‌آمد انجام می‌دادیم، فاصله گرفته‌ایم. حالا دیگر نبودن در صحنه‌های حوادث

یک زیر آوار مانده بودند. اگر شده با دست، خاک و سنگ و آجر و بتن را کنار می‌زدند که نکند خاوه‌ری، برادری، همشهری، هم‌وطنی یا انسانی زیر آوارها بماند و او بتواند، اما کاری انجام ندهد.

اما این بار افسوس خوردیم، که همه انگار خبرنگاران حرفه‌ای هستند و موبایل به دست، دنبال صحنه‌های برای شکار و قراردادن در شبکه‌های اجتماعی‌اند. عکس‌ها را که می‌دیدم

تهران و ساختمان قدیمی پلاسکو در آتش بی‌احتیاطی سوخت و ملت ایران را داغ‌دار قهرمانان شهید آتشان این حادثه کرد.

عکس‌ها و فیلم‌هایی که از این حادثه در شبکه‌های مجازی منتشر شد گذشته را برایم زنده کرد. وقتی که ملت مهربان و دوست‌داشتنی خودمان در زمان جنگ تا خانه‌ای از حملات دشمن خراب می‌شد همه دنبال وسیله‌ای برای کندن زمین و درآوردن



مژگان عابدی
دانشجوی دکترای مهندسی منابع آب
دانشگاه تربیت مدرس

باز هم حادثه‌های دردناک در گوشه‌ای از ایران دلمان را سوزاند. هنوز آتش شهادت طریق‌الحسین شهر حله که مردم اهواز را داغ‌دار کرد و داغ مصیبت مسافران قطار امام رضای شهر تبریز خاموش نشده بود که آتشی دیگر افروخته شد. این بار

نیست: ماشین‌ها تک‌سرنشین و یا نهایت دو سرنشین، عابری که سیگار به دست از جلوی آن‌ها رد می‌شود و چندین کودک و نوجوان که برای کسب درآمد، اسفند نامرغوب دود می‌کنند. این‌ها را نگفتم تا مدافع دولت باشم و یا تمام تقصیر را بر گردن رهگذری بیندازم که شاخه آتش به لب داشته است و... بلکه منظورم این است که مادامی که مردمان ما خود احساس نکنند که در ایجاد این آلودگی نقشی هر چند جزئی دارند این روند همچنان ادامه خواهد داشت. ادامه در صفحه ۳

آلودگی هوا و مردمانی که آبخش دارند!

پیام‌هایی که فلان پروفیسور این را گفت و آن‌یکی آن را، این را نیز از تو خواهند گرفت. شاید آن موقع از خودت بپرسی چرا دولت برای آلودگی هوا تدبیری اساسی نمی‌اندیشد و کلید این مشکل را در قفل نمی‌چرخاند؟ اما پیشنهادم این است که همان لحظه سرت را بچرخانی و از پشت شیشه دودگرفته اتوبوس به خیابان‌های بیندازی. آنچه می‌بینی حقیقت دارد و مطمئناً توهم ناشی از استنشاق سرب و...

این روزها وضعیت هوای تهران آن‌قدر وخیم شده که حتی اگر خواهی کمی به شش‌هایت روحیه بدهی و چشم‌هایت را هم بشویی و جور دیگری ببینی باید از آب باران اسیدی استفاده کنی! اگر هم تنها یک لحظه بخوای آرام و قرار بگیری و از تاروپود ماسک مایل به خاکستری‌ات که البته صبحدم سفیدرنگ بوده است یک‌نفس پر از سرب بکشی؛ پیام‌ها و یا به‌اصطلاح کاربران فضای مجازی



زهرآ حمیدی سوها

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس



میدان اسب می‌تازانند، دیگر پیش‌بینی امری بس ممتنع است. از این جهت هم هست که در رنای اقتصاددانان گفته شده است که آن‌ها فردا خواهند فهمید که چرا پیش‌بینی‌های دیروزشان، امروز به وقوع نپیوسته است. این مشکل از اقتصاددانان که نیست، مشکل از اقتصاد و متغیرهای عجیب‌وغریب آن است که هر روز ساز خاص همان روز را کوک می‌کنند و خب اقتصاددان بیچاره ما هم، همه نوع رقصی را بلد نیستند تا با ساز همان روز برقصند.

اما این پیچیدگی و عدم ثبات متغیرهای سیستم‌های سطوح هفتم و هشتم، بخشی از مشکل ما در عدم پیش‌بینی آینده است. مشکل دیگر، اما آن است که در جهان تا اوایل دهه ۹۰ میلادی و در ایران تا به امروز، علوم انسانی ننگ به شمار می‌رفت. هر کسی که به علوم انسانی می‌پرداخت، گویی از نظر ذهنی مشکل داشت. در واقع فکر می‌کردیم مهندس و دکتر هستند که باهوش‌اند و یک اقتصاددان نیازمند هوش چندانی نیست. یاد هست که در دوران دبیرستان و هم‌زمان با عصر انتخاب رشته، به هر کسی که می‌گفتیم می‌خواهیم به رشته علوم انسانی برویم، به بدترین شکل ممکن از او بازخورد می‌گرفتیم. تو گویی که جرم انجام داده‌ایم که می‌خواهیم مثلاً به اقتصاد بپردازیم و یا در زمینه‌ی جامعه‌شناسی، مطالعاتی داشته باشیم. این دروس برای کنده‌ذهنان بود. هوشمندان باید لزوماً ریاضی می‌خواندند و مهندسی پیشه می‌کردند.

خب نتیجه آن تفکر، کشور امروزی است. تفکری که معتقد بود اقتصاد، علم کنده‌ذهنان است، باید هم نتیجه‌ای جز یک اقتصاد متلاشی‌شده درو نکند. به قول معروف گندم از گندم بروید، جو ز جو!... خب آن روز یونجه کاشتیم که امروز، ارزش پولی چنین نازل برداشت می‌کنیم. بیکاری امروز جوانان باهوش ما ریشه در این دارد که دیروز هر چه (به‌ظاهر) تنبل بود را می‌فرستادیم که اقتصاد بخواند. باید ده‌ها و صدها متغیر مجهول‌الیه را زیر نظر گرفت تا بلکه به جواب صحیح رسید را وانهادیم، و تیزهوشان خود را به سراغ رشته‌هایی فرستادیم که در پیچیده‌ترین مسائلشان نهایت ۲۰ متغیر معلوم‌الحال را شامل می‌شوند.

خب امروز موشک هوا می‌کنیم ولی نمی‌توانیم نظام اقتصادی بسازیم. به قول معروف از ماست که بر ماست!... علوم انسانی که ننگ شد، باید شرم بیکاری را جوان متحمل شود!...

آقایان! علوم انسانی ننگ نیست

علی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی



تغییرات لازم را به عمل بیاوریم. اما وقتی به سطوح هفتم و هشتم طبقه‌بندی بولدینگ می‌رسیم چون با قوانین سروکار نداریم، و این نظریه‌ها هستند که در این

انسانی که برخلاف سیستم‌های سطوح پایین، به هیچ صراطی مستقیم نیست. گاه سرمایه می‌شود و گاه گرم‌زده. گاه قوی‌تر از کوه می‌شود و گاه نازک‌تر از شیشه! سیستم‌های سطوح اول قوانینی دارند که در هر زمان و هر مکانی صادق‌اند. در هر شرایطی تصدیق می‌شوند و همیشه به یک‌شکل عمل می‌کنند. در سخت‌ترین مسائل فیزیکی و شیمیایی، ما نهایت ۱۰، ۲۰ و یا چون شما بید با اندکی تساهل و تسامح با ۳۰ متغیر سروکار داریم. آن‌هم چه متغیرهایی؟ متغیرهایی که کاملاً مطیع قوانین هستند و قابل پیش‌بینی. اما در سیستم‌های سطح هفتم و هشتم این‌گونه نیست. اولاً در این سطوح ما قانون نداریم؛ در نهایت یک سری اصول خواهیم داشت. که البته معمولاً هم با نظریاتی سروکار داریم که گاهی صادق‌اند و گاهی خیر.

داریم. آن‌هم چه متغیرهایی؟ متغیرهایی که کاملاً مطیع قوانین هستند و قابل پیش‌بینی. اما در سیستم‌های سطح هفتم و هشتم این‌گونه نیست. اولاً در این سطوح ما قانون نداریم؛ در نهایت یک سری اصول خواهیم داشت. که البته معمولاً هم با نظریاتی سروکار داریم که گاهی صادق‌اند و گاهی خیر. مخصوصاً در سیستم‌های سطح هفتم، برای یک پدیده ساده مثل تورم در اقتصاد، ما گاهی با بیش از ۱۰۰ متغیر و عامل مؤثر سروکار داریم که از هیچ قانونی تبعیت نمی‌کنند. باری به هر جهت هستند. نمی‌گویم حزب باد هستند ولی انصافاً دمدمی‌مزاج‌اند! هر روز به شکلی و هر دم به گونه‌ای! و این یعنی، نسخه دیروز، امروز دمیده شده و دیگر کارساز نیست. خب این خیلی بد است. یعنی در این سطح از سیستم‌ها اگر نگوئیم غیرممکن است، باید بگوئیم که پیش‌بینی، امری به‌شدت صعب و مشکل است.

علم برای چیست؟ علم در یک کلام برای پیش‌بینی است. یعنی براساس قوانین حاصل از رخدادهای پیشین بتوانیم حوادث آینده را پیش‌بینی کرده و

یک‌شکل عمل می‌کنند. در سخت‌ترین مسائل فیزیکی و شیمیایی، ما نهایت ۱۰، ۲۰ و یا چون شما بید با اندکی تساهل و تسامح با ۳۰ متغیر سروکار

علم برای چیست؟ علم در یک کلام برای پیش‌بینی است. یعنی براساس قوانین حاصل از رخدادهای پیشین بتوانیم حوادث آینده را پیش‌بینی کرده و تغییرات لازم را به عمل بیاوریم. اما وقتی به سطوح هفتم و هشتم طبقه‌بندی بولدینگ می‌رسیم چون با قوانین سروکار نداریم، و این نظریه‌ها هستند که در این میدان اسب می‌تازانند، دیگر پیش‌بینی امری بس ممتنع است. از این جهت هم هست که در رنای اقتصاددانان گفته شده است که آن‌ها فردا خواهند فهمید که چرا پیش‌بینی‌های دیروزشان، امروز به وقوع نپیوسته است. این مشکل از اقتصاددانان که نیست، مشکل از اقتصاد و متغیرهای عجیب‌وغریب آن است که هر روز ساز خاص همان روز را کوک می‌کنند و خب اقتصاددان بیچاره ما هم، همه نوع رقصی را بلد نیستند تا با ساز همان روز برقصند.

از زمانی که برتالانفی نظریه‌ی سیستم‌ها را ارائه داد و بولدینگ انواع سیستم‌ها را در نه طبقه، دسته‌بندی کرد، تا به امروز زمان زیادی می‌گذرد؛ چندین دهه! اما ما که مدعی بیشترین رشد علمی در جهان هستیم، هنوز به‌درستی متوجه نشده‌ایم که اگر سیستم‌های سطوح بالاتر، نیازمند نظریه‌های دقیق‌تری هستند به همان میزان نیز نظریه‌پردازان قوی‌تری را طلب می‌کنند. می‌دانیم که سیستم‌های سطح اول، ساده‌ترین سیستم‌ها بوده و برای درک و فهم آن‌ها نیازمند کنکاش بالایی نخواهیم بود. اما امان از روزی که بخواهیم سیستم‌های سطوح هفتم و هشتم را مورد بررسی قرار دهیم که یکی به انسان می‌پردازد و دیگری نقش انسان را در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. انسانی که به هیچ صراط خاصی مستقیم نیست. در سیستم‌های سطح اول تا پنجم، ما با قوانین سروکار داریم. به‌طور مثال؛ ما نظریه‌ی شیمی نداریم. قوانین شیمی داریم. ما در فیزیک نظریه نداریم؛ البته نه اینکه نداشته باشیم، داریم مثل همان نظریه معروف $E=MC^2$. این رابطه همچنان در سطح یک نظریه هست. حالا کار نداریم چرا هنوز قانون نشده است. ولی نظریه‌ای است که انیشتین ایراد فرموده و هنوز نه اثبات شده و نه رد. اما ویژگی سیستم‌های سطوح یک تا سه که در علوم همانند فیزیک بررسی می‌شوند این است که یک نظریه، یا ثابت می‌شود و در واقع تبدیل به قانون می‌شود و همه، آن را می‌پذیرند و یا رد می‌شود و به تاریخ می‌پیوندد. حتی نظریاتی مثل نظریه مذکور که نه رد می‌شوند و نه تأیید، مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. بلکه در آبنمک خوابانیده می‌شوند تا روزی رد شوند و یا تأیید. اما در سطوح هفتم و هشتم که به انسان مربوط می‌شود ما معمولاً قانون نداریم. با نظریه‌ها سروکار داریم. نظریاتی که معمولاً نه رد می‌شوند و نه تأیید. البته منظور نظریاتی است که اصول صحیح نظریه‌پردازی را رعایت کرده باشند. چنین نظریاتی همیشه باقی می‌مانند. گاه این نظریات با یکدیگر در تضاد هستند، اما باز هم مورد بی‌اعتنایی قرار نمی‌گیرند. چرا؟ چون با انسان سروکار داریم. انسانی که برخلاف سیستم‌های سطوح پایین، به هیچ صراطی مستقیم نیست. گاه سرمایه می‌شود و گاه گرم‌زده. گاه قوی‌تر از کوه می‌شود و گاه نازک‌تر از شیشه! سیستم‌های سطوح اول قوانینی دارند که در هر زمان و هر مکانی صادق‌اند. در هر شرایطی تصدیق می‌شوند و همیشه به

اداره‌جات و یا اصلاً بسیار کلان‌تر تخریب‌شده شهر، مادامی‌که در کنار فرهنگ‌سازی نباشد آس ما همین است و کاسه ما هم همین. نهایتاً این می‌شود که تهران را ترک می‌کنیم و به سمت جای سرسبز و خوش آب و هوایی همچون محمودآباد رفته و آنجا را هم آلوده می‌کنیم و بعد به مکانی دیگر کوچ خواهیم کرد. اتفاقی هم برایمان نخواهد افتاد چرا که ما آبش داریم!

باشد مسلماً نه تنها اقدامی برای کاهش و بهبود آن صورت نمی‌گیرد بلکه گاهی به افزایش و وخیم‌تر شدن آن نیز دامن می‌زند. تعجبی ندارد مردمی که چهره‌ی رودخانه‌ها و مناظر زیبای ایران را با بطری‌های خالی نوشابه‌های خود و پسماندهای دیگر زشت می‌نمایند امروز نگران آلودگی نباشند. بنابراین تعطیلی مدارس و یا حتی بسیار فراتر از آن تعطیلی تمامی

یکی از افرادی که مشماهای پر از خرید در دست دارد و کودکی که قرار بود در تعطیلی مدارس در منزل بماند تا آسیب کمتری ببیند، همراه اوست، بیرسم بیخشد خاتم/ آقا شما آبش دارید؟! بالواقعه چگونه می‌شود که گاهی برخی از مردم ما از آلودگی خوشحال می‌شوند و گاهی دعا می‌کنند این آلودگی به تعطیلی‌های رسمی بینجامد؟ مادامی‌که تصور این‌گونه

از خانواده‌ها این تعطیلی را غنیمت دانسته و برای گردش در بازار تهران فرصت را مغتنم می‌شمارند و به اصطلاح دلی از عزا درآوردند. اگر در این روزها گذرت اتفاقی به مسیریایی بیفتد که حداقل یک پاساژ تجاری داشته باشد و شلوغی آن را با چشم خودت ببینی منظور اینجانب را خوب متوجه خواهی شد. خیلی دوست دارم یک‌بار هم که شده در قالب یک خبرنگار بروم جلو و از

ادامه از صفحه ۲ آری دولت موظف است برای حل این مشکل اقداماتی مؤثر انجام دهد، فی‌المثل؛ مدارس را تعطیل کند و مایه‌ی شادمانی فرزندان و حتی خانواده‌ها شود. اما آیا این عمل حلال مشکلات است؟ راستش را بخواهی بله تا حدی مشکل را برطرف می‌کند. حداقلش این است که سرویس‌ها از صبح زود در خیابان‌ها رژه نمی‌روند اما متأسفانه در این هنگام بعضی

پادادانش

مریم پرسته زاد

دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه تربیت مدرس



او همانند شتر پرخور و شکم برآمده همتی جز جمع آوری و خوردن بیت المال نداشت. بستگان پدریش به همکاری اش برخاستند، آنها همچون شتران گرسنه‌ای که بهاران به علفزار بیفتند، و با ولع عجیبی گیاهان را بلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند؛ اما عاقبت بافته‌هایش پنبه شد، و کردار ناشایستش، کارش را تباہ ساخت و سرانجام شکم خوارگی و ثروت اندوزی، برای ابد نابودش ساخت.^۱

اینکه دست‌درازی مسئولین به اموال مردم از کدام دولت سربرآورد، و یا نتیجه‌ی بی‌تدبیری کدام رئیس جمهور بود در مرحله‌ی دوم از اهمیت قرار دارد! و آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد، عواقب بی‌اعتمادی مردم به نظام اسلامی است.

شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین نیروهای محرکه‌ی حرکت انقلابی ملت شریف، در مقابله با طاغوت را مشاهده‌ی شکاف عمیق طبقاتی میان درصد کمی از افراد وابسته به حکومت با توده‌های مردم به شمار آورد که علت اصلی آن، فاصله گرفتن از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در نظر مردم جلوه می‌کرد. و در مقابل از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین ویژگی‌های جمهوری اسلامی نزد بنیان‌گذار آن، برقراری شکلی از حکومت است که تحت لوای مقدس اسلام به ایجاد عدالت در تمام جنبه‌های آن اعم از اقتصادی بپردازد.

امام خمینی (ره) در سخنرانی خود (مورخ فروردین ۱۳۶۲) از عبارت تکان‌دهنده‌ی مستحق نیستی و مرگ بودن برای حکومت و مسئولی که متوجه اشرافیت و مال‌اندوزی شده است استفاده می‌کنند و می‌فرمایند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه‌ی دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور خدای نخواست،



شتران گرسنه‌ای که بهاران به علفزار بیفتند

از کوخ تا کاخ نشینی

عبور کند، و به گوش دانشجویان دیروز و مسئولان امروز برسد!

و دانشجویان امروز باید ساده‌زیستی و انقطاع امام کوخ‌نشینان را نه در آینه‌کاری‌ها و صحن‌سرای شاهانه‌ی مرقدان حضرت که در آینه‌ی تمام‌نمای جان‌نشین‌شان امام خامنه‌ای بچینند. در زیلوهای ساده و یکرنگ حسینی‌های امام خمینی (ره)...

«برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی این است: ضد استکبار، ضد فساد، ضد اشرافیگری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه، ضد گرایش‌های انحرافی»^۲

(پی‌نوشت)

۱- بخشی از خطبه‌ی ۳، نهج‌البلاغه ۲-۴۲۲ آذر ۱۳۸۷، دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

و طبقات اجتماعی مستضعف با کارگر، متوسط با کارمند و غنی یا ثروتمند با مسئول برابر دانسته می‌شود!

امروز کار به آنجا رسیده است که افرادی در کمال وقاحت و بی‌شرمی به تعیین سهم خود و خانواده‌شان از سفره‌ی انقلاب می‌پردازند. گو اینکه هدف از برپایی حکومت اسلامی، نه زنده کردن قیام حسینی و نه برپایی شعائر مذهبی و دین مبین اسلام، که رساندن آبی و نانی به حضرات بوده‌است!

طنین صدای پابرهنگانی که جان‌هایشان را به دست گرفته و فریاد می‌زدند:

«سرنگون می‌کنیم رژیم پهلوی را
*** جایگزین می‌کنیم حکومت
علی (علیه السلام) را!»

هنوز هم در کوچه پس کوچه‌ها و خیابان‌ها شنیده می‌شود، اما شاید دورتر و ضعیف‌تر از آن است که از شیشه‌های دودی و ضدگلوله‌ی «بنزهای شخصیتی»

پذیرفتن قطعنامه و بر سرکار آمدن دولت سازندگی در اواخر دهه‌ی ۶۰، رو به ضعف نهاد!

مدل مبتنی بر اقتصادی لیبرال و نفوذ تدریجی عناصر تکنوکرات در بدنه‌ی دولت آقای هاشمی و امتداد آن در دولت آقای خاتمی، سلاق معیشتی و سبک زندگی مردم را دچار تغییر کرد و باعث کم‌رنگ شدن روحیات انقلابی و عدم انتقال یا انتقال نادرست آنها به نسل بعد از جنگ گردید. این روند تا آنجا پیش رفت که ارزش و ضارزش در هم آمیخت، و بسیاری از خطرمرزها و آرمان‌های جمهوری اسلامی وارونه جلوه‌گر شدند. کاخ‌نشینی مایه‌ی مباحثات و تفاخر، مال‌اندوزی هنر و چپاول و اختلاس قابلیت معنا یافت!

اکنون پس از گذشت قریب به چهاردهه از شکل‌گیری آن آرمان سترگ، کفش‌های وصله‌خورده‌ی خدمتگزاری جای خود را به صندلی‌های چرمی ریاست داده‌اند!

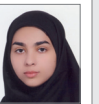
از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکنند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواست، و از این خوی ارزنده‌ی کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.»

همچنین اشاره به ارزشی و جایگاه والای مستضعفین و حفظ روحیه‌ی ساده‌زیستی مکرراً در سخنان ایشان به چشم می‌خورد. اشرافیگری و شخصی سازی بیت‌المال نه تنها فاصله گرفتن از آرمان‌های انقلاب و امام خمینی (ره) به شمار می‌آید، بلکه در تناقض با آموزه‌های اسلام نیز هست.

متأسفانه پس از رحلت معمار کبیر انقلاب، این آرمان‌ها خواسته یا ناخواسته به ورطه‌ی فراموشی سپرده شد و آنچه که می‌رفت تا به عنوان غنی‌ترین و ساختار شکنانه‌ترین مدل حکومتی شناخته شود پس از

لعیا استاد آسیابی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس



حقوق‌های پیش پا افتاده نجومی

رسیدن به پاسخ نهایی یعنی مجازات و شفاف‌سازی حقوق‌های مدیران، نهایت تلاش خود را کنند.

رسانه، به‌عنوان ابزار قدرتمندی در دنیای امروز با سکوت یا پیگیری خود می‌تواند اثر بسیار زیادی در مسیر افکار عمومی و سرعت بخشیدن به حل شدن ماجرا دارند، چنانچه برخی با انتشار عکس‌های جعلی از فیش‌های حقوقی

چندی از مدیران پیگیر و طرفدار مردم، می‌خواهند از رسانه برای برگرداندن ورق استفاده کنند و افکار عمومی را به سمت‌وسویی ببرند که بی‌اعتمادی بیشتر مردم را در پی دارد، اما رسانه‌ها باید با پیگیری مداوم و تلاش برای شفاف‌سازی جلوی تأخیر در اجرای پلان آخر این سناریو را که فرصتی است برای دست‌های پشت پرده تا پایان این قضایا را نیز به نفع خود به پایان ببرند، را بگیرد.

قضایی کشور، همچون برگ برنده‌ای برای متخلفان اقتصادی بوده تا تنها حساسیت مردم را کم کرده و تعداد مخالفان مفسدان اقتصادی را اندک و افکار عموم مردم را بی‌توجه به این قضایا جلوه دهد تا برخورد با این قضیه آن‌چنان که باید جدی گرفته نشود و باز هم شکل دیگری از فساد اقتصادی را شاهد باشیم.

حال آنکه افکار عمومی این بار انتظار برخورد جدی‌تری را دارد چرا که امروزه مشکلات اقتصادی در کشور یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که مردم هر روزه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و برای آن‌ها بسیار ملموس‌تر از دیروز شده، مردم امروز می‌دانند اگر این بار هم درگیر ماریپیچ سکوت شوند شاید بار دیگر فرصتی برای مطالبه نیابند. و اما این بار رسانه‌ها با طرفداری از مردم باید به‌عنوان نمایندگان مردمی برای



خاطیان به سمع مردم نرسیده است. هر از چند گاهی قربانیانی می‌آیند، تاوان اندکی چون استعفا و برکناری از سمت خود را می‌دهند و می‌روند، وقفه‌های زمانی ایجاد شده در بین افشای خبر و پیگیری قوای

حقوق‌های نجومی، افکار عمومی بی‌صبرانه منتظر برخورد جدی با این مدیران هستند. اما در بحبوحه‌ی این خبر عده‌ای سعی دارند با انتشار فیش‌های جعلی مسیر افکار عمومی را به سمت‌وسوی دیگری برده و با کمک زمان، اوضاع را به نفع خود همچون گذشته تغییر دهند.

اکنون با گذر نه ماه از افشای این خبر، رهبر انقلاب در بیشتر سخنرانی‌هایشان درخواست اکید پیگیری کامل و شفاف‌سازی را تا به انتهای ماجرا دادند تا مطالبات مردمی از این قضیه پاسخ داده شود. اما وجود فسادهای اقتصادی در گذشته و این بار انتشار حقوق‌های نجومی برخی از مدیران، نشان از آن دارد که فسادهای اقتصادی در نظام اقتصادی ایران کم‌کم به امری عادی تبدیل شده و نهادینه شده است، اما سرانجام مشخصی از مجازات‌های

در اردیبهشت‌ماه امسال انتشار چند عکس از فیش‌های حقوقی چند تن از مدیران، در شبکه‌های مجازی و دو روز بعد انتشارش در رسانه ملی طلسم سکوت رسانه‌ای را در برابر این هنجارشکنی شکست. انتشار خبری که پیش از آن آثار سوءاش در جامعه دیده می‌شد.

در جامعه‌ای که کارمندی که با حقوق‌های کم گذران زندگی می‌کردند، مردم عادی که روزها در پی وام‌های کم با بهره‌های زیاد بودند تا مرهم اندکی بر زخم‌های اقتصادی خود بیابند، بی‌تردید شاهد این اختلاف جایگاه و طبقاتی خود با زندگی بی‌دغدغه بعضی از این مدیران بوده‌اند، حال با توجه به تأکید صریح رهبر انقلاب، بر برخورد قاطع با این پدیده و اینکه «این موضوع نباید شامل مرور زمان شود»، و همچنین مشخص بودن مدیران دریافت‌کننده‌ی



پاداداشیت

هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

انقلاب‌های رنگی در سرآشویی سقوط!



اثبات جنبش سبز در ایران به عنوان مدلی از انقلاب‌های رنگی امر دشواری نیست و با قرائن و شواهد بسیاری به دست می‌آید؛ اما آنچه پس‌از این سال‌ها اهمیت دارد، فروکش کردن آن و جریان‌های همسو است. امروزه در کشورهایی که تجربه‌ی انقلاب رنگی را از سر گذرانده‌اند، رژیم‌های مخالف با غرب بر سرکار آمده‌اند و سردمداران این جنبش‌ها از اریکه‌ی قدرت به زیر کشیده شده‌اند. پس دلایل شکست نهایی این انقلاب‌ها کدام‌اند؟

بشری تأکید دارد و از روش‌های نرم براندازی به جای کودتای نظامی استفاده می‌کند؛ بنابراین ماهیت آن فرهنگی و البته شکننده است. در صورتی که ساختارهای اجتماعی و امنیتی متناسب با آن در جامعه هدف به وجود نیاید، انقلاب رنگی وضعیتی ناپایدار داشته و در یک تحول سیاسی از میدان خارج می‌شود. اکنون انقلاب‌های رنگی در این کشورها شکست‌خورده و می‌توان گفت، در صورتی که در ایران نیز به پیروزی می‌رسید، دوام چندانی نداشت. دلایل شکست این حرکت سیاسی در ایران فاصله ۱۱ میلیونی آرای فرد پیروز در انتخابات بود. در بهترین حالت معترضان در مرکز و چند شهر بزرگ به خیابان‌ها آمدند و توان بسیج میلیونی را در سراسر ایران نداشتند. چراکه اساسا باور تقلب برای اکثریت مردم سخت بود. همچنین رهبری مدبرانه آیت‌الله خامنه‌ای و آشکار شدن دخالت بیگانگان در امور کشور موجب حساسیت مردم شد و به‌مرور از عقبه‌ی اجتماعی جنبش سبز کاسته شد. آخرین دلیل نیز باورهای دینی مردم و عیان شدن ماهیت ضدانقلابی و ضد دینی برخی از معترضان نتایج انتخاباتی بود که بختی را برای پیروزی آن باقی نگذاشت.

انقلاب‌های رنگی اصطلاحی است که توسط جین شارپ فیلسوف آمریکایی نظریه‌پرداز شده است. این انقلاب‌ها به عنوان شیوه‌ای مدنی برای تغییر ناگهانی حکومت‌ها در کشورهای اقتدارگرا مطرح شد و پیروزی آن در برخی جوامع، اعتبارش را در میان اپوزیسیون رژیم‌های سیاسی آسیا و اروپای شرقی افزایش داد. انقلاب‌های رنگی بر مبارزات مدنی و حقوق بشری تأکید دارد و از روش‌های نرم براندازی به جای کودتای نظامی استفاده می‌کند؛ بنابراین ماهیت آن فرهنگی و البته شکننده است. در صورتی که ساختارهای اجتماعی و امنیتی متناسب با آن در جامعه هدف به وجود نیاید، انقلاب رنگی وضعیتی ناپایدار داشته و در یک تحول سیاسی از میدان خارج می‌شود.

در کشورهایی که تجربه‌ی انقلاب رنگی را از سر گذرانده‌اند، رژیم‌های مخالف با غرب بر سرکار آمده‌اند و سردمداران این جنبش‌ها از اریکه‌ی قدرت به زیر کشیده شده‌اند. پس دلایل شکست نهایی این انقلاب‌ها کدام‌اند؟

انقلاب‌های رنگی اصطلاحی است که توسط جین شارپ فیلسوف آمریکایی نظریه‌پرداز شده است. این انقلاب‌ها به عنوان شیوه‌ای مدنی برای تغییر ناگهانی حکومت‌ها در کشورهای مخالف با سیاست‌های امریکا مطرح شد و پیروزی آن در برخی جوامع، اعتبارش را در میان اپوزیسیون رژیم‌های سیاسی آسیا و اروپای شرقی افزایش داد. انقلاب‌های رنگی بر مبارزات مدنی و حقوق

رهبری بر مشارکت مردم‌سالارانه استوار کرده، چنین ظرفیتی را دارا بود. یکی دیگر از وجوه تسمیه این انقلاب‌ها به رنگی برمی‌گردد که در جریان تغییر و تحولات سیاسی و مدنی به کارگرفته شد. در گرجستان از گل رز یا سرخ، در اوکراین از رنگ نارنجی و در قرقیزستان از گل لاله به عنوان نماد استفاده شد. در ایران نیز رنگ سبز با توجه به صبغه‌ی مذهبی آن مورد پذیرش حامیان انتخاباتی موسوی قرار گرفت. اثبات جنبش سبز در ایران به عنوان مدلی از انقلاب‌های رنگی امر دشواری نیست و با قرائن و شواهد بسیاری به دست می‌آید؛ اما آنچه پس‌از این سال‌ها اهمیت دارد، فروکش کردن آن و جریان‌های همسو است. امروزه

حکومتی برای پیشبرد پروژه مذکور ضروری است. همچنین در کنار برخی آزادی‌های سیاسی، وجود سازوکار انتخابات برای جابجایی قدرت از مهم‌ترین بسترهای تغییر ساختار یا تغییر نرم از درون به حساب می‌آید. چنانکه انقلاب‌های رنگی گرجستان، اوکراین و قرقیزستان همگی در بستر انتخابات صورت پذیرفتند؛ بنابراین برخلاف تصورات مشهور، بستر اصلی شکل‌گیری این انقلاب‌ها، اقتدارگرایی حاکم بر این کشورها نیست، بلکه تغییر و براندازی با استفاده از ظرفیت‌های داخلی نظام صورت می‌گیرد. از این لحاظ جمهوری اسلامی که ساخت سیاسی خود را در تمام سطوح شوراها، مجلس، ریاست جمهوری و حتی

هنگامی که از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در ایران سخن به میان می‌آید، به یاد واژه‌هایی همچون تقلب، فتنه، جنبش سبز و... می‌افتیم که در این واقعه به کاربرده می‌شود.

در فردای انتخابات و ۲۳ خرداد، میرحسین موسوی در بیانیه‌ای بحث تقلب را مطرح کرد و اعلام نمود که تسلیم صحنه‌آرایی خطرناک حاکمیت نخواهد شد. دو روز پس از آن تظاهرات و تجمعاتی برگزار شد که خواستار ابطال انتخابات بودند. این اعتراضات به مدت ۱۸ ماه و در مناسب‌های گوناگون سیاسی و مذهبی ادامه یافت و اقتدار نظام کنونی را تضعیف نمود. در حالی که جمهوری اسلامی تنها در دهه‌ی ۱۳۶۰ فضای متشنج سیاسی و امنیتی را تجربه کرده بود. آن‌هم در برابر مخالفانی که از اساس با مدل حکومتی ایران مخالف بودند و خارج از عرصه‌ی انقلابیون اسلامی تعریف می‌شدند؛ اما این بار برخی از انقلابیون اسلام‌گرای همان دوران، رهبری جنبش اعتراضی را به دست گرفتند. چنین اعتراضاتی در کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد شوروی هم سابقه داشت که موسوم به انقلاب رنگی بودند. انقلاب رنگی برخلاف تقابل‌های سخت که متکی به تغییر از بیرون می‌باشد، به تحول از درون اشاره دارد و این تغییر البته با استفاده از ظرفیت‌های درون یک نظام سیاسی مانند انتخابات صورت می‌گیرد. در تمام انقلاب‌های رنگی وجود یک جریان قدرتمند فکری-سیاسی، تجدیدنظر طلب با سابقه

جنبش اعتراضی در کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد شوروی هم سابقه داشت که موسوم به انقلاب رنگی بودند. انقلاب رنگی برخلاف تقابل‌های سخت که متکی به تغییر از بیرون می‌باشد، به تحول از درون اشاره دارد و این تغییر البته با استفاده از ظرفیت‌های درون یک نظام سیاسی مانند انتخابات صورت می‌گیرد. در تمام انقلاب‌های رنگی وجود یک جریان قدرتمند فکری-سیاسی، تجدیدنظر طلب با سابقه حکومتی برای پیشبرد پروژه مذکور ضروری است. همچنین در کنار برخی آزادی‌های سیاسی، وجود سازوکار انتخابات برای جابجایی قدرت از مهم‌ترین بسترهای تغییر ساختار یا تغییر نرم از درون به حساب می‌آید.

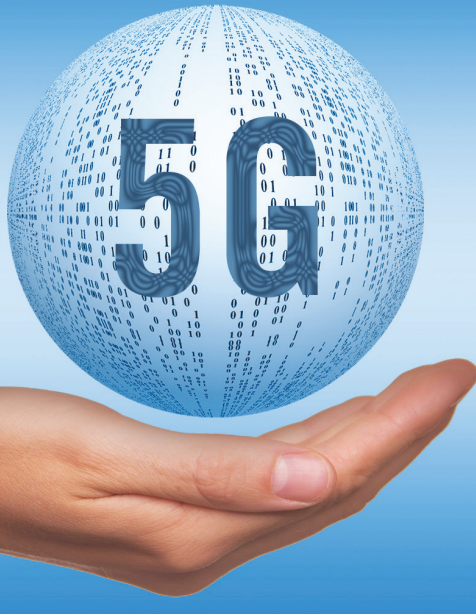
در تمام انقلاب‌های رنگی وجود یک جریان قدرتمند فکری-سیاسی، تجدیدنظر طلب با سابقه حکومتی برای پیشبرد پروژه مذکور ضروری است. همچنین در کنار برخی آزادی‌های سیاسی، وجود سازوکار انتخابات برای جابجایی قدرت از مهم‌ترین بسترهای تغییر ساختار یا تغییر نرم از درون به حساب می‌آید. چنانکه انقلاب‌های رنگی گرجستان، اوکراین و قرقیزستان همگی در بستر انتخابات صورت پذیرفتند؛ بنابراین برخلاف تصورات مشهور، بستر اصلی شکل‌گیری این انقلاب‌ها، اقتدارگرایی حاکم بر این کشورها نیست، بلکه تغییر و براندازی با استفاده از ظرفیت‌های داخلی نظام صورت می‌گیرد.

5G چیست و انتظار ما از آن چه خواهد بود؟



فناورانه

بابک جانجان

دانشجوی دکتری الکترونیک
دانشگاه تربیت مدرس

کتاب گوش کنید

سرانه مطالعه در کشورمان پایین است و احتمالاً بخشی از آن در بی اشتیاق بودن افراد برای خواندن ریشه دارد. با این حال روش دیگری هم برای خواندن آسان یک کتاب وجود دارد؛ کتاب صوتی. اگر حوصله خواندن یک مطلب را ندارید، می‌توانید به آن گوش کنید. «رسانه‌های کتاب» برنامه‌ای است که به این منظور ساخته شده است. به گفته سازنده، این برنامه همچون یک کتابخانه صوتی همراه می‌ماند که کاربر می‌تواند کتاب‌های مورد علاقه‌اش را در آن پیدا و به جای خواندن به آن‌ها گوش کند. کتاب‌های موجود در این برنامه در زمینه‌های کسب و کار، داستان و رمان، روان‌شناسی و موفقیت، کودک و نوجوان، دینی و مذهبی، دفاع مقدس، شعر و ادبیات و انگلیسی طبقه‌بندی شده است. غیر از صوت، برخی کتاب‌های این برنامه تصویر هم دارد و آثاری از نویسندگان بنام نیز در آن یافت می‌شود. برای حفظ حقوق مادی و معنوی صاحبان اثر، کتاب‌های صوتی با کیفیت و دارای مجوز از ناشران معتبر در این برنامه قرار داده شده است. با ثبت‌نام درون این برنامه می‌توانید آرشیو کتاب‌هایتان را حفظ کنید.

با این محصول تازه وارد حالا

دیگر می‌توانید با سرعتی دو

برابر بلوتوث‌های قبلی نهایت

لذت را در انتقال داده‌ها داشته باشید.

همچنین می‌توانید دامنه انتقال داده‌های

خود را به دستگاه‌های دیگر تا ۴۰۰ متر

افزایش دهید. کاری که در مقایسه با برد

۱۲۰ متری گذشته، چهار برابر افزایش

خواهد یافت. بلوتوث ۵ با سرعت دو

برابر نسبت به قبل می‌تواند در هر ثانیه

۲ مگابایت را بدون مصرف انرژی بیشتر

برای انتقال دهد و تمامی دستگاه‌های

جدید می‌توانند از این بلوتوث پشتیبانی

کنند. تا پیش از این تنها تجهیزات

صوتی-تصویری، هدفون‌ها و خودروها با

بلوتوث‌ها مشترک می‌شدند ولی با حذف

سیم مطمئناً دامنه پشتیبانی دستگاه‌ها با

این ارتقا بلوتوثی کاملاً متفاوت و تقریباً

نامحدود خواهد شد.

به «شهرهای هوشمند» خواهند شد. میلیون‌ها ابزار و وسیله کوچک با استفاده از این فن آوری به هم متصل می‌شوند. هر چیزی از ماشین‌های لباسشویی تا متری‌های هوشمند، دوربین‌های ترافیکی، جاده‌های هوشمند و سنسورهایی که به یک درخت متصل شده‌اند، به‌طور پیوسته اطلاعات را از طریق این نسل از اینترنت با یکدیگر به اشتراک خواهند گذاشت.

بروید و ضمن تایپ عبارت Cmd و اجرای Command Prompt فرمان زیر را وارد کرده و کلید اینتر را فشار دهید shutdown /s /f /t

Bluetooth 5!

با این محصول تازه وارد حالا دیگر می‌توانید با سرعتی دو برابر بلوتوث‌های قبلی نهایت لذت را در انتقال داده‌ها داشته باشید. همچنین می‌توانید دامنه انتقال داده‌های خود را به دستگاه‌های دیگر تا ۴۰۰ متر افزایش دهید. کاری که در مقایسه با برد ۱۲۰ متری گذشته، چهار برابر افزایش خواهد یافت.

بلوتوث ۵ با سرعت دو برابر نسبت به قبل می‌تواند در هر ثانیه ۲ مگابایت را بدون مصرف انرژی بیشتر برای انتقال دهد و تمامی دستگاه‌های جدید می‌توانند از این بلوتوث پشتیبانی کنند. تا پیش از این تنها تجهیزات صوتی-تصویری، هدفون‌ها و خودروها با بلوتوث‌ها مشترک می‌شدند ولی با حذف سیم مطمئناً دامنه پشتیبانی دستگاه‌ها با این ارتقا بلوتوثی کاملاً متفاوت و تقریباً نامحدود خواهد شد.

ویژگی دیگر این محصول امکان اشتراک‌گذاری گروهی تحت عنوان one-to-many messaging است؛ به این معنی که شما می‌توانید به طور همزمان برای چند نفر انتقال داده را انجام دهید.

به سراغ ویژگی دیگری برویم که در آن ایجاد تغییر در نوع داده‌ها صورت گرفته است؛ شما می‌توانید اطلاعات موقعیت‌های مکانی، آدرس وب سایت‌ها و در کل فایل‌های چندرسانه‌ای را به اشتراک بگذارید.

زمان معرفی و اعلام کامل این محصول اواخر امسال و اوایل سال آینده اعلام شده است.

نسل بعدی شبکه تلفن همراه 5G است فناوری که هنوز در دسترس همگان قرار نگرفته است. از این فناوری بانام «اینترنت اشیا» (IOT) نام برده می‌شود. با کمک 5G امکان ارتباط میلیون‌ها نفر از طریق میلیون‌ها دستگاه و وسیله الکترونیکی در مساحتی کوچک و تا شعاع تنها چند کیلومتر مربع فراهم خواهد شد. شهرها تبدیل

به یک شهر با واقعیت مجازی یا چندرسانه‌ای همه جانبه تقریباً ۱۰۰ برابر بالاتر از اجرای یک ویدیوی HD خواهد بود.

فناوری 5G نیازمند ایجاد ساختار ICT بسیار پیشرفته است. با استفاده از نوعی سیستم کدگذاری که «OFDM» نامیده می‌شود، شبکه از فرکانس‌های جدیدی استفاده خواهد کرد که توانایی ذخیره اطلاعات بیشتری را خواهد داشت. به علاوه برای انتقال فرکانس‌ها به جای استفاده از برج‌های بلند از شبکه‌های مانند روتر (ROUTER WIFI) استفاده خواهد شد و در واقع 5G نسل جدیدی از شبکه‌های بی‌سیم خواهد بود.

بر اساس پیش‌بینی‌ها این نسل از اینترنت تا سال ۲۰۲۰ راه‌اندازی خواهد شد. شرکت Elisa به کمک شرکت مخابراتی Huawei چین توانسته فناوری فراهم کند که در آن سرعت اینترنت موبایل را نزدیک به ۲ گیگابایت در ثانیه برساند. در واقع با این سرعت می‌توان یک فیلم فول اچ دی را ظرف مدت ۴۴ ثانیه دانلود کرد. شرکت فنلاندی Elisa اعلام کرد سرعت ۱/۹ گیگابایت بر ثانیه ثبت شده در اینترنت 4G موبایل به عنوان سریع‌ترین سرعت اینترنت نسل ۴ در جهان محسوب می‌شود. بر همین اساس با دسترسی به این سرعت بی‌ظنری می‌توان با استفاده از فناوری‌های مرتبط با واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و فیلم‌های ویدئویی 4K را در دنیای اینترنت به راحتی در اختیار داشت. این در حالی است که سریع‌ترین سرعت اینترنت موبایل نسل ۴ در جهان ۳۰۰ مگابایت بر ثانیه ثبت شده که سرعت فعلی در حدود ۶ برابر بیشتر از این رقم است. همچنین مدیرعامل

نخستین بار کشور ژاپن از اینترنت 3G به صورت گسترده و تجاری استفاده نمود. در ۱ اکتبر ۲۰۰۱، «ان تی تی دو کومو» بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی ژاپن خدمات مخابراتی خود را به نسل سوم مجهز نمود. حداکثر سرعت در 3G به 42Mbps می‌رسد. در ایران نیز یکی از اپراتورها برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ اینترنت نسل سوم را با سرعت 4Mbps ارائه داد که امکان تبادل عکس، ویدئو برای کاربران فراهم شد. نسل بعدی شبکه‌های تلفن همراه 4G بود که برای کاربران اینترنت، لذت تجربه سرعت اینترنت تا 1Gbps را فراهم کرد. در ایران نیز یکی دیگر از اپراتورهای تلفن همراه، اینترنت نسل چهارم یا 4G را در شهرهای مشهد و شیراز و نقاطی از تهران راه‌اندازی کرد.

نسل بعدی شبکه تلفن همراه 5G است فناوری که هنوز در دسترس همگان قرار نگرفته است. از این فناوری بانام «اینترنت اشیا» (IOT) نام برده می‌شود. با کمک 5G امکان ارتباط میلیون‌ها نفر از طریق میلیون‌ها دستگاه و وسیله الکترونیکی در مساحتی کوچک و تا شعاع تنها چند کیلومتر مربع فراهم خواهد شد. شهرها تبدیل به «شهرهای هوشمند» خواهند شد. میلیون‌ها ابزار و وسیله کوچک با استفاده از این فن آوری به هم متصل می‌شوند. هر چیزی از ماشین‌های لباسشویی تا متری‌های هوشمند، دوربین‌های ترافیکی، جاده‌های هوشمند و سنسورهایی که به یک درخت متصل شده‌اند، به‌طور پیوسته اطلاعات را از طریق این نسل از اینترنت با یکدیگر به اشتراک خواهند گذاشت. ما می‌توانیم بصورت اتوماتیک از ورود فرزندان مان به خانه مطلع شویم و خودروهایمان را در خیابان‌ها به صورت اتوماتیک به حرکت دریاوریم و با سرعتی فوق العاده از همه اشیا الکترونیکی استفاده کنیم.

سرعت 5G حداقل ۴۰ برابر سرعت شبکه‌های اینترنت حال حاضر خواهد بود. در عصر 5G ما قادر خواهیم بود فایل‌ها را با سرعت بیشتری دانلود کنیم و بازی‌های آنلاین را اجرا کنیم و آپلودها را با سرعت مطلوب‌تری انجام

سرگذشت ریال



قاجار (۱۲۴۲ ق. / ۱۸۲۷ م.)، سکه نقره به نام «صاحبقران» ضرب و ارزش آن معادل یک‌دهم «تومان» تعیین شد. نام این سکه به اختصار به «قران» تبدیل شد. «شاهی» به کوچک‌ترین واحد پول ایران و معادل یک‌بیستم «قران» تبدیل شد یعنی ۲۰۰ «شاهی» برابر با یک «تومان» بود. در نیمه‌ی اول سده‌ی نوزدهم، یک تومان ایران برابر با دو پوند استرلینگ و ۲۵ فرانک فرانسه ارزش داشت. در زمان محمدشاه قاجار، یک تومان ایران (برابر با ۱۰ صاحبقران = قران) برابر با ۲۵ دلار آمریکا و ۵ روپیه هند بود. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، یک پوند استرلینگ معادل ۳۲٫۵ قران بود که اندکی قبل از قتل ناصرالدین شاه (۱۷ ذی‌القعده ۱۳۱۳ ق. / اول مه ۱۸۹۶ م.) به ۴۸٫۹ قران افزایش یافت. گفتیم که ده قران معادل یک تومان بود. در نخستین سال سلطنت مظفرالدین شاه (۱۸۹۷)، یک پوند انگلستان برابر با پنج تومان ایران بود که پس از حوادث مشروطه به ۶ تومان رسید.

پادشاه

محسن سعادت

دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

«ریال» (روپال: شاهی) نام سکه‌ی نقره اسپانیا و پرتغال است که در این دو کشور و مستعمرات آنان رواج داشت و ارزی جهانی به شمار می‌رفت. در اواخر سده‌ی هیجدهم میلادی، در ایران سکه «ریال» معادل یک‌هشتم تومان ارزش داشت. در زمان شاه‌طهماسب صفوی (اواخر سده‌ی شانزدهم میلادی و مقارن با دوران الیزابت اول تئودور در انگلستان)، واحد پول ایران «تومان» (سکه طلا) و واحد کوچک‌تر «شاهی» (سکه نقره) بود. در این زمان، واحد پول انگلستان پوند استرلینگ (برابر با ۲۰ شیلینگ) بود و یک تومان ایران معادل ده پوند انگلستان ارزش داشت. در سال سی‌ام سلطنت فتحعلی شاه

رایج ایران تغییری ایجاد نکرد تا ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ که قانون «اصلاح قانون واحد و مقیاس پول» به تصویب رسید و به اساس سیستم پولی ایران بدل شد. پس از انقلاب ایران، طرح مسکوکات با حذف نقش شاه تغییر کرد، ولی اندازه و حروف چینی آن‌ها تغییر نکرد. سکه‌های ۵۰ دیناری فقط در سال ۱۳۵۸ ضرب شدند و سکه‌های ۵۰ ریالی در ۱۳۵۹ رواج یافتند. در سال ۱۳۷۱، سری جدید سکه‌های ۱، ۵، ۱۰ و ۵۰ ریالی و نیز سکه ۱۰۰ ریالی ضرب شد. سکه‌های ۲۵۰ ریالی در سال بعد رواج یافتند. در سال ۱۳۸۳ اندازه سکه‌های ۵۰، ۱۰۰ و ۲۵۰ ریالی کاهش یافت و سکه‌های ۵۰۰ ریالی رواج یافتند. در سال ۱۳۸۸ سکه‌های ۲۵۰ و ۵۰۰ در اندازه کوچک‌تر و ۱۰۰۰ ریالی در ایران

ضرب شدند. سایر سکه‌ها هنوز قانونی‌اند اما دیگر ضرب نمی‌شوند. در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۹، سکه‌های ۲۰۰۰ ریالی و ۵۰۰۰ ریالی ضرب گردید. بدین‌سان، از اول فروردین ۱۳۱۱ ش. / ۲۱ مارس ۱۹۳۲ م. «ریال»، معادل ۰٫۰۷۳۲۳۳۸۲ گرم طلا، به‌عنوان واحد رسمی پول ایران به جریان افتاد و پس از حدود یک سده «قران» جای خود را به «ریال» داد. از ۱۳۱۱ ش. تا به امروز در ایران واحد پولی به نام «تومان» رسماً وجود نداشت ولی واژه «ریال» هیچ‌گاه مقبولیت عامه نیافت و مردم همچنان «تومان» را به کار می‌بردند.

حذف صفر پولی؛ بیم‌ها و امیدها

پادشاه

حامد هیدمرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی نفت دانشگاه تربیت مدرس

ارزش برابری پول ملی‌اش را بزرگ‌نمایی کند. دولت دیگر از چاپ این همه اسکناس خسته و ناتوان شده است. دولت این شانس را به خود می‌دهد که از نو شروع کند. گذشته از مشکلات مربوط به امحا و چاپ مجدد اسکناس و هزینه‌های فراوان آن، اقتصاد ایران در اجرای برنامه‌ی حذف صفرهای پول ملی با چند مشکل مواجه است. اینکه بخش فراوانی از پول ما منفعل است. از جمله مجاری انفعال پولی، بدهی‌های معوقه بدهکاران به نظام بانکی، کسری بودجه‌های دولت و عدم فروش ارز بودجه، توسط بانک مرکزی است. نکته‌ی اصلی در تغییر واحد پول ملی همین نکته است. هنگامی که تعدادی صفر از پول ملی حذف می‌شود، بسیاری از قیمت‌ها مضربی از این تعداد صفر نیستند. به همین جهت کالاهای ۲۵۰۰ و ۳۷۵۰ ریالی که باید ۲/۵ و ۳/۷۵ ریال قیمت‌گذاری شوند، با مشکل گرد کردن اعداد مواجه می‌شوند و بدون شک اعداد را به سمت بالا گرد می‌کنند. وقتی اعداد قیمتی کوچک‌تر می‌شوند و قدرت قیمت‌گذاری هم‌بالاست، افراد قیمت‌های

خود را بسیار کمتر از حد تناسب تغییر واحد پول ملی کاهش می‌دهند و این خود به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. از طرف دیگر، به دنبال کوچک‌تر شدن ارقام، قبح روانی افزایش بعضی قیمت‌ها کاسته می‌شود. بنابراین ما پس از حذف صفر، شاهد این خواهیم بود که قیمت بسیاری از کالاها و خدمات مصرفی و حتی مسکن و زمین به‌طور متناسب کاهش نمی‌یابد و زمینه تورم بیشتر را فراهم می‌کند. حذف صفر از پول ملی کشورها نخستین بار پس از پایان جنگ جهانی دوم و تورم تازنده آلمان غربی تجربه شد. پس از آن به‌ویژه از دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی به این‌سو این عمل بارها و بارها در کشورهای مختلف که اکثر کشورهای در حال توسعه بودند به اجرا درآمد. داده‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که دست‌کم ۵۰ کشور جهان تاکنون اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کرده‌اند. از سال ۱۹۳۰ تاکنون طی شش مرحله ۱۸ صفر از پول ملی برزیل حذف شده است و هشت بار نیز نام واحد پولی این کشور تغییر پیدا کرده است که



از این حیث رکورددار است. **ترکیه، تجربه‌ی موفق** ترکیه، کشوری اروپایی با بستری جهان‌سومی است که به یک‌باره شش صفر را از پول ملی خود را حذف کرد. تورم در ترکیه با شتاب به پیش رفت. هر دلار آمریکا در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۱/۵ میلیون لیر رسید. در این شرایط قیمت یک ساندویچ در ترکیه به ۳ میلیون لیر رسید. از آغاز سال ۲۰۰۵ اسکناس‌های جدید ترکیه با عنوان لیر جدید منتشر شدند. هر لیر جدید معادل یک میلیون لیر قدیم است و به‌این ترتیب ترکیه در یک مرحله، شش صفر را از اسکناس حذف کرد. مهار تورم در ترکیه با نظارت و دستورالعمل‌های صندوق بین‌المللی پول انجام گرفت. این کشور به‌عنوان یک نمونه‌ی برگزیده در مهار تورم از سوی این نهاد بین‌المللی معرفی شد. ترکیه پیش از آنکه اقدام به حذف صفرها کند تورم را

به‌طور کامل مهار کرد.

زیمبابوه، یک شکست کامل

دولت زیمبابوه در سال ۲۰۰۳ زمانی که تورم این کشور یک هزار درصد بود اقدام به حذف ۳ صفر از اسکناس‌های این کشور کرد. با این وجود دولت عملاً هیچ‌گونه اقدامی در خصوص مهار تورم انجام نداد و صرفاً به وجه روانی حذف صفرها اتکا کرد. بدیهی آنکه این کارکرد به‌زودی از میان رفت و تورم تازنده سرانجام اقتصاد این کشور را ویران کرد و دلار زیمبابوه از هم پاشید. هم‌اکنون تورم این کشور آفریقایی از مرز یازده میلیون درصد گذشته است و دولت برای تأمین اسکناس موردنیاز مردم ناگزیر از چاپ اسکناس‌های یک‌صد میلیارد دلاری شده است. این در شرایطی است که بانک مرکزی این کشور اعلام کرده دیگر کاغذ اسکناس کافی برای نشر پول در اختیار ندارد.

هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو با ریاست دکتر احمدی



گفتنی است دکتر محمدتقی احمدی، ریاست این هیأت؛ دارای دکترای مهندسی عمران از دانشگاه توهوکو ژاپن و نویسنده دهها مقاله درباره سازه‌های ساختمانی، سدها و سایر حوزه‌های مهندسی عمران است.

«کیفیت هماهنگی دستگاه‌های مسئول در مدیریت بحران»، «راه‌های پیشگیری از تکرار آن» و «اصلاحات ساختاری و مدیریتی لازم» ارایه و گزارش دقیقی جهت اطلاع مردم شریف ایران منتشر نماید.

کلیه دستگاه‌ها و مسئولان ذیربط موظفند با این هیأت همکاری نموده و اطلاعات مربوط را در اختیار بگذارند.

علی اکبر آقا کوچک، سعید بختیاری، فرج اله رجبی، شاپور طاحونی، نصرالله طهماسبی، محمد فاضلی، سید باقر مرتضوی، رسول میرقادری، مهدی هداوند

توفیق هیأت محترم را در انجام این وظیفه ملی از خداوند بزرگ خواستارم.

آتش نشانان غیور شد و احساسات عمومی مردم ایران را در کمک به آسیب دیدگان و وحدت و انسجام ملی در برخورد با چالش‌ها نشان داد؛ از آن نظر که باید همه تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع حوادث مشابه اتخاذ شود و توان کشور در مدیریت بحران تقویت گردد؛ لازم می‌دانم، «هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» به ریاست جناب عالی و عضویت شخصیت‌های علمی و خیره در تخصص‌های مختلف ذیربط به شرح ذیل تشکیل شود و ظرف مدت دو ماه «گزارش ملی» این حادثه را با «بررسی علل و عوامل وقوع آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان»، «نحوه مدیریت محیطی حادثه»،

دکتر حسن روحانی رئیس جمهور با هدف اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع حوادث مشابه ساختمان پلاسکو و تقویت توان کشور در مدیریت بحران؛ در حکمی دکتر محمدتقی احمدی رئیس دانشگاه تربیت مدرس را به ریاست «هیأت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» منصوب و از وی خواست تا ظرف دو ماه «گزارش ملی» این حادثه را جهت اطلاع مردم شریف ایران منتشر کند.

متن حکم دکتر روحانی به این شرح است:

در پی حادثه آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان پلاسکو در مرکز شهر تهران که صحنه اینار و فداکاری

نوآوری، استفاده از تکنیک‌های هنری و رسانه‌ای و نیز غنابخشی سرلوحه فعالیت‌های هیأت‌های دانشجویی

محمدعلی حسینیان مسئول جدید نیز مطالبی را درباره برنامه‌های پیش رو مطرح نمودند.

در پایان مراسم نیز از مسئول سابق هیأت با اهدای لوح تقدیر به عمل آمد.

باشد. ایشان در ادامه در همین راستا توصیه‌هایی برای فعالین هیأت داشتند.

سپس آقای حمید فوری مسئول سابق نکاتی را در زمینه برنامه‌های هیأت بیان داشتند. آنگاه آقای

و فعالیت‌های فرهنگی و دینی در دانشگاه پرداختند و آنگاه افزودند: نوآوری، استفاده از تکنیک‌های هنری و رسانه‌ای و نیز غنابخشی می‌تواند سرلوحه فعالیت‌های هیأت‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها

دانشجویان فعال هیأت محبین حضور داشتند، دکتر علی فلاح رفیع طی سخنانی ضمن قدردانی از مسئول سابق هیأت و آرزوی موفقیت برای مسئول جدید به ذکر نکاتی درباره طراحی، برنامه‌ریزی

تودیع و معارفه مسئولان هیأت محبین اهل بیت (علیهم السلام) طی مراسمی در دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه برگزار گردید.

در این مراسم که جمعی از

تربیت مدرس در جمع برترین‌های کشوری در تولید علم



خارج از کشور به فعالیت علمی مشغول هستند، ادامه داد: بارها بر این موضوع تأکید شده که نیروی انسانی توانمند کشور باید حفاظت شود و در این زمینه اخبار خوبی به گوش نمی‌رسد.

دستور بعدی جلسه ۸۹ ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، بررسی «سند ملی فناوری‌های نرم و هویت‌ساز» بود که گزارشی از این سند ارائه و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این گزارش با اشاره به نقش فناوری در ایجاد انگیزش اجتماعی، اهداف کیفی و کمی این بخش با توجه به شرایط و اقتضانات محیطی و بین‌المللی بررسی شد. مخبر دزفولی گفت: در تدوین اهداف کمی و کیفی باید نقطه شروع و مسیر حرکت دقیقاً معلوم شود و نباید اهدافی ترسیم شود که با توجه به امکانات و همچنین حرکت سایر کشورها، دست نیافتنی به نظر برسند.

جلسه ۸۹ ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، به ریاست محمدرضا مخبردزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در محل دبیرخانه این شورا برگزار شد و وحید احمدی معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم، گزارشی از روند تدوین و تصویب آئین نامه شرح وظائف و ساختار شورای عتف ارائه کرد.

در بخش مربوط به تولیدات علمی ۱۰ دانشگاه برتر کشور به ترتیب تولید علمی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه علم و صنعت به عنوان ۱۰ دانشگاه برتر کشور در زمینه تولید علم دسته‌بندی و ارزیابی شده‌اند.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن تأکید بر توانایی علمی برخی از دانشمندان ایرانی که در

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
در همه امور، زندگی‌تان سادگی را رعایت کنید.
اولش هم از همین مراسم ازدواج شروع می‌شود.

جشن ازدواج دانشجویی

مجموعه برنامه های شاد و متنوع
به همراه مسابقه و تواشیح
و با حضور

دکتر حمید فوری
مشاور و کارشناس خانواده

سه شنبه ۱۹ بهمن
ساعت: ۸:۳۰ صبح

سالن جابر بن حیان

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس

پادداشت

فاطمه رحمانی

دانشجوی دکترای مدیریت دولتی
دانشگاه تربیت مدرس

«سکولار» یعنی: غیردینی و «دین» یعنی غیرسکولار. به عبارت دیگر، «علم سکولار» یعنی: علم بدون اعتقاد به مبانی و باورهای دینی و «علم دینی» یعنی: علم با تأکید بر این مبانی و باورها. پس معنا ندارد که از جمع آن‌ها جز با دست برداشتن از یکی صحبت کنیم، اگر بگوییم: با حفظ اعتقاد به باورهای دینی و تحکیم آن‌ها در جریان پیشرفت علم، می‌توان بر سرعت پیشرفت‌های علمی هم افزود، در این صورت، علم دینی را تأیید کرده‌ایم و اگر معتقد باشیم که با اصل قراردادن سرعت پیشرفت علم و مطلق پنداشتن نتایج علمی در صورت احساس خطر برای باورهای اعتقادی و مفاهیم ارزشی، آن‌ها را به گونه‌ی دیگری تعریف می‌کنیم، در این صورت، از علم دینی دست برداشته‌ایم و به نفع علم سکولار کنار رفته‌ایم. بنابراین، گریزی از انتخاب نیست، اما راهکار این انتخاب چیست؟



علم دینی یا علم سکولار؟ مسئله این است!

چه چیز یا چیزهایی از ما می‌گیرد؟ یا چه چیزهایی به ما می‌دهد؟ یا چه آثار مثبت و منفی در زندگی ما دارد؟

موارد اختلاف علم سکولار و علم دینی

بنابر آنچه در تعریف «علم سکولار» و «علم دینی» مورداشاره قرار گرفت و شاخص‌های کلی، که در آثار گوناگون برای فرایند سکولاریسم به‌طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است، باید گفت: مبانی و باورها و بالطبع، نتایج علم سکولار و علم دینی در چهار محور ذیل به‌غایت از یکدیگر فاصله‌دارند:

۱. خدا؛ ۲. جهان؛ ۳. معرفت؛ ۴. معنویت و ارزش؛ که ان شالله در شماره بعدی به آن خواهیم پرداخت.

دنیوی شده از آن حمایت و آن را تعلیم می‌کنند»

در نهایت علم سکولار است یا دینی؟

از یک‌سو، با توجه به رنگ و لعاب علم و فناوری جدید و سرعت روزافزون پیشرفت آن و از سوی دیگر، ریشه‌های سنتی جامعه ما، که با دین و اعتقاد به امور مقدس عجین شده است، همچنین باتوجه به اینکه بسیاری از عناصر اعتقادی ما که در عصر علم سکولار، توسط فلاسفه سرزمین این نوع علم در حال‌های از شک و تردید و لادری‌گری فرورفته است، به نظر می‌رسد جمع این دو امکان‌پذیر نباشد؛ چرا که اوصاف سکولار و دینی - با تعریفی که از آن‌ها ارائه شد - منافی یکدیگرند. «سکولار» یعنی: غیردینی و «دین» یعنی غیرسکولار. به عبارت دیگر، «علم سکولار» یعنی: علم بدون اعتقاد به مبانی و باورهای دینی و «علم دینی» یعنی: علم با تأکید بر این مبانی و باورها. پس معنا ندارد که از جمع آن‌ها جز با دست برداشتن از یکی صحبت کنیم، اگر بگوییم: با حفظ اعتقاد به باورهای دینی و تحکیم آن‌ها در جریان پیشرفت علم، می‌توان بر سرعت پیشرفت‌های علمی هم افزود، در این صورت، علم دینی را تأیید کرده‌ایم و اگر معتقد باشیم که با اصل قراردادن سرعت پیشرفت علم و مطلق پنداشتن نتایج علمی در صورت احساس خطر برای باورهای اعتقادی و مفاهیم ارزشی، آن‌ها را به گونه‌ی دیگری تعریف می‌کنیم، در این صورت، از علم دینی دست برداشته‌ایم و به نفع علم سکولار کنار رفته‌ایم. بنابراین، گریزی از انتخاب نیست؛ اما راهکار این انتخاب چیست؟ به نظر می‌رسد این راهکار با راهکار عمومی هر انتخاب دیگری فرق ندارد: به هنگام لزوم برگزیدن یکی از دو چیز، شناخت نتیجه، توجه به نتایج و عواقب احتمالی هر کدام. به عبارت دیگر، در زمان انتخاب، ما می‌پرسیم هر یک از طرفین انتخاب

دینی» علمی است که در آن، «بینش الهی بر عالم حاکم باشد؛ بینشی که خدا را خالق و نگه‌دارنده جهان می‌داند؛ عالم وجود را منحصر به عالم مادی نمی‌داند؛ برای جهان هدف قائل است و اعتقاد به یک نظام اخلاقی دارد. (در مقابل)، علم سکولار، که با خدا کاری ندارد، تنها برای عالم ماده شأنیت قائل است، اصولاً هدف‌دار بودن جهان برای آن مطرح نیست و فارغ از ارزش‌هاست.»^۲

علم سکولار است یا دینی؟

از جریان سکولاریسم، اعم از علم سکولار، اخلاق سکولار، جامعه‌ی سکولار، سیاست سکولار و مانند آن، ارزیابی‌های متفاوتی صورت گرفته است. برخی در دفاع از آن، معتقدند: این جریان موجب بازیابی معنا و اهمیت دین در زندگی خصوصی افراد و در نتیجه، حفظ قداست دین خواهد شد. کسانی آن را نماد و پایان دوران دادگاه‌های تفتیش عقاید و رهایی آدمی از قدرت نفس‌گیر کلیسا تلقی کرده‌اند؛ و گروهی به سکولاریسم همچون بخشی از فرایند تاریخ بشری نگاه می‌کنند و از آن همچون بخشی از فرایند گریزناپذیر «آمدن عصر و زمان»، «رشد» و «بلوغ» که در آن هنگام انسان «از چیزهای کودکانه دست برخواهد داشت» و خواهد فهمید که باید «جرت بودن» پیدا کند، یاد می‌کنند.

در مقابل، گروهی از این جریان احساس خطر کرده و درباره‌ی عواقب آن، به بشر دوران جدید هشدار داده‌اند. برای نمونه، ژاک مارتین، فیلسوف بانفوذ مسیحی قرن بیستم، درباره‌ی این فرایند، از عنوان «ارتداد مطلق» استفاده کرده و معتقد است:

جامعه مسیحیت و بسیاری از متکلمان مسیحی و روشن‌فکرانی که رهبران کلیسا را تشکیل می‌دهند، عملاً به صورتی ژرف، گرفتار یک «ارتداد مطلق» شده‌اند؛ بدان جهت که در عین مصمم بودن بر بقای مسیحیت به هر قیمت، آشکارا از روایتی

ایده‌ای که طبیعت را یک ماشین بی‌جان و بی‌تشخص تلقی می‌کرد، به‌صیح‌ترین نحو توضیح داد. از نظری، وی «دنیوی کردن» (secularization) [دین زدایی] معرفت علمی و معارف دیگر به این معنا بود که مفاهیم کلامی [الهیاتی] با هر نقشی که در سایر حوزه‌ها دارند، باید از حوزه‌ی شناخت جهان کنار گذاشته شوند. در واقع در علم سکولار شناخت محصول مشاهدات فردی بوده و هر چه قابل مشاهده باشد حقیقت دارد، در این دیدگاه ماور الطبیعه نقشی در شناخت ندارد.

ب. علم دینی

در خصوص «علم دینی» باید توجه داشت همان‌گونه که وصف «سکولار» تنها نوعی نگرش عام و جهان‌بینی کلی را درباره‌ی عالم هستی ضمیمه عنوان «علم» می‌سازد، صفت «دینی» نیز خواهان انضمام جهان‌بینی خاص خود به مفهوم علم است. با این توضیح، معلوم است که هر یک از این دو ترکیب وصفی مشتمل بر مبانی، باورها، نتایج و خطمشی خاصی خواهد بود بسیار متفاوت از دیگری است؛ و این گویای آن است که هر یک از شاخه‌های علم می‌تواند «سکولار» باشد یا «دینی». بنابراین، تقسیم علم به دینی و غیردینی به یک معنا صحیح است و به یک معنا غلط. اگر این توهم را پیش بیاوریم که علوم که در اصطلاح، «غیردینی» نامیده می‌شوند لزوماً از دین بیگانه‌اند، این تقسیم جایز نیست؛ چرا که بخصوص درباره‌ی اسلام، بنا بر جامعیت و خاتمیت آن، لازم است هر علم مفید و نافع را که برای جامعه‌ی اسلامی لازم و ضروری است «دینی» بخوانیم.^۱ اما اگر چنان‌که گذشت - منظور این باشد که اهداف غایی و آثار علمی و مبانی و باورهای این دو نوع علم با توجه به نوع جهان‌بینی حاکم بر آن‌ها متفاوت است، این تقسیم کاملاً موجه است؛ که در نتیجه می‌توان گفت «علم

علم سکولار با حذف خدا و ماوراءالطبیعه از حوزه‌ی علم شروع می‌شود و به تفکیک میان علم و اخلاق ختم می‌شود هدف علم سکولار کسب قدرت است و هیچ‌گونه توصیه‌ی اخلاقی را حتی برای کسانی که قدرت فراوانی در اختیارشان قرار می‌دهد به همراه ندارد. در مقابل، علم دینی مدعی است که حذف خدا از قلمرو علم امکان‌پذیر نیست و در حقیقت، هر علمی از آن نظر که شناخت آیات خداست نوعی خداشناسی محسوب می‌شود و عدم عنایت به عالم معنا و ماورای طبیعت در حوزه‌ی علم مساوی است با درافتادن در ورطه‌ی پوچ‌گرایی. هدف علم، جست‌وجوی حقیقت است و اخلاق هم لازمه‌ی علم است و تفکیک این دو از یکدیگر عواقب جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد و در صورتی که علم تمامی عوامل مزبور را، که لازم و ملزوم یکدیگرند، نداشته باشد اصلاً شایسته نام «علم» نیست.

الف. علم سکولار

هویت علم سکولار را می‌توان با توجه به دیدگاه «لاپلاس»، شارح خوش‌بین

هویت علم سکولار را می‌توان با توجه به دیدگاه «لاپلاس»، شارح خوش‌بین ایده‌ای که طبیعت را یک ماشین بی‌جان و بی‌تشخص تلقی می‌کرد، به صحیح‌ترین نحو توضیح داد. از نظری، وی «دنیوی کردن» (secularization) [دین زدایی] معرفت علمی و معارف دیگر به این معنا بود که مفاهیم کلامی [الهیاتی] با هر نقشی که در سایر حوزه‌ها دارند، باید از حوزه‌ی شناخت جهان کنار گذاشته شوند. در واقع در علم سکولار شناخت محصول مشاهدات فردی بوده و هر چه قابل مشاهده باشد حقیقت دارد. در این دیدگاه ماور الطبیعه نقشی در شناخت ندارد.

(پی نوشت)

۱. (مرتضی مطهری، ده گفتار، حکمت، ۱۳۵۶، ص ۱۴۶-۱۴۸)
۲. (مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۲)

از جریان سکولاریسم، اعم از علم سکولار، اخلاق سکولار، جامعه‌ی سکولار، سیاست سکولار و مانند آن، ارزیابی‌های متفاوتی صورت گرفته است. برخی در دفاع از آن، معتقدند: این جریان موجب بازیابی معنا و اهمیت دین در زندگی خصوصی افراد و در نتیجه، حفظ قداست دین خواهد شد. کسانی آن را نماد و پایان دوران دادگاه‌های تفتیش عقاید و رهایی آدمی از قدرت نفس‌گیر کلیسا تلقی کرده‌اند؛ و گروهی به سکولاریسم همچون بخشی از فرایند تاریخ بشری نگاه می‌کنند و از آن همچون بخشی از فرایند گریزناپذیر «آمدن عصر و زمان»، «رشد» و «بلوغ» که در آن هنگام انسان «از چیزهای کودکانه دست برخواهد داشت» و خواهد فهمید که باید «جرت بودن» پیدا کند، یاد می‌کنند.



از سری احکام شیرین
دوران دانشجویی



به درخواست دوستان و آشنایان برای اینکه فردا پس فردا بعد از فراغت از تحصیل هزارتا شاکی حقیقی و حقوقی پیدا نکنیم به سراغ احکام درخواستی رفتیم و گفتیم دلی شاد کنیم از بچه‌های گل گلاب تربیت مدرس.

آقا ایام وام دانشجویی و خلاصه هزارتا سودا حالا تو این بین یکی پرسید این اندک حطام وام دانشجویی که ما می‌گیریم خمس داره یا نه، ما هم سری به احکام زدیم تا قدمی برداریم برای حل معما...

آیا به وام دانشجویی، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: چنانچه اقساط وام را در سال‌های آینده دریافت کنند، خمس ندارد.

تبصره ۱: چنانچه این وام تا بعد از پرداخت اقساط آن پس‌انداز شود، به آن خمس تعلق می‌گیرد.

تبصره ۲: به سود حاصل از وام مزبور - چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید - خمس تعلق می‌گیرد.

خب با استناد به مطالب ذکرشده و به قول قدیمیما معما چون حل شود آسان شود. داداشام آبیچام، وام دانشجویی حلال، نوش جونتون. الهی که همچین برکت داشته باشه که کلهم اجمعین مشکلات مالیتون حل و فصل بشه.

۱. امام، استفتاوات، ج ۱، ص ۱۶۵؛
خانمهای، اجوبه، ص ۸۶۷؛ مکارم،
استفتاوات، ج ۱، ص ۳۱۱؛ بهجت،
توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۹؛ تبریزی،
صراط‌النجاه، ج ۱، ص ۱۳۸۹؛ صافی،
جامع‌الاحکام، ج ۱، ص ۷۲۷؛ فاضل،
جامع‌المسائل، ج ۱، ص ۸۴۳؛ سیستمی،
توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۷؛ نوری، استفتاوات،
ج ۲، ص ۳۲۲؛ دفتر وحید.
۲. احکام خمس، سید مجتبی حسینی



صبا بهزادی فرد

دانشجوی کارشناسی ارشد آناتومی
دانشگاه تربیت مدرس

نقدی بر نامه‌ی
دهسالگی

وقتی دهساله بودم و به دستم شاخه‌ی معرفتی بود، نامه‌ی مختصر به خدا نوشتم: با "سلام" شروع و به یک "یا علی" ختم می‌شده. فاصله‌ی خطوط متقارن و کلمات، درشت، مرتب و جان دار که گوشه‌هایی از جوهر آبی آن‌ها درهم‌آمیخته بود. کلماتی سرشار از شوق بلد شدن تازه‌ی کلمات. کلماتی که به جوانه‌ی نورسته از دانه‌های مانست. دل چسب و بوییدنی.

"خدای خوب من، همه چیز خوب است. ما شکرگزار تو هستیم. ما شاد هستیم. ما همیشه به یاد تو هستیم و همیشه به امید تو هستیم. من تلاش می‌کنم تا همیشه بیست بمانم تا همه را راضی و خوشحال کنم. می‌خواهم بزرگ بشوم و معلم بشوم."

سالم است و ساده و زیبا. شاید بگویند خنده‌دار است. ولی تصویر خواننده این سطور در این زلال سبزه و جاری آن چنان روشن و واضح دیده می‌شود که باید گفت آنچه احمقانه می‌پندارند و به آن می‌خندند، تصویری از چهره‌ی خود آنان است که در این آینه شفاف منعکس شده است. و گرنه زلالی آب که تمسخر ندارد. کیف هم دارد. نامه برخاسته از صداقت و خلوص است. عاری از ادعا و پیچیدگی‌های گیج‌کننده. چنین اثری در زمره‌ی "از تولید به سطل اشغال" قرار نمی‌گیرد.



خانم حاصلی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان
دانشگاه تربیت مدرس

اپیزود اول:

پیرمرد اهل سنت است خمیده قامت از روستاهای گلستان آرام جلو می‌آید و می‌گوید: چند سالی برای نذری که داشتم و ادا شده است تلاش می‌کنم هر طور شده در این ایام خود را به حرم برسانم، من و خانواده و اهالی روستایمان ارادت ویژه‌ای به اهل بیت و امام رضا (علیه السلام) داریم.

اپیزود دوم:

گوینده‌ی اخبار کمی بر گه‌ها را جابه‌جا می‌کند: در انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده در یک پمپ‌بنزین در شهر حله عراق شماری از زائران اربعین حسینی به شهادت رسیدند. بیش از نیمی از کشته‌ها ایرانی هستند.

اپیزود سوم:

همسایه با آب‌وتاب از برگزاری مراسم نه ربیع حرف می‌زند می‌گوید خیلی خوش گذرانده‌اند.

اپیزود چهارم:

با پوزخند می‌گوید خیلی پوست کلفت هستیم که هنوز نمرده‌ایم!
عکس‌های دختر بچه بانمکی که موهای فرش را با کش‌های رنگی بسته است نشانم می‌دهد. اسمش زینبه سه سالشه؟ برای عزاداری اربعین با مادرش رفته بودند که ارتش نیجر به با



نامه با سلامی زنده شروع می‌شود. سلامی که مثل قاصدکی سبک فوت می‌شود تا کمی آن طرف‌تر به مقصد و مقصود برسد. این سلام، سلامی است بی‌طمع گرگ. البته کودک حاجت زیاد دارد مثل همگان. ولی خود را می‌دهد، بعد چیزی می‌گیرد. می‌گوید به "یاد تو، به امید تو و شکرگزار تو هستیم" پس به برکت این ضمانت از تو وام "خوبیم و شادیم" را می‌گیرم. این سلام، جواب دارد. پاسخ‌ش را در همان حلقه‌ی امن الهی که کودک در آن بازگوشی می‌کند، می‌شنود. نه حتی یک سلام سرسری. وقتی می‌گوید: خدا، مخاطب، عین خداست. خدای خوبی‌ها که شکرگزار اوست. شاید این واژه به دهان او بزرگ باشد، شک کرده باشد "ز" را درست نوشته یا نه؟ از برنامه‌ی کودک شنیده و یا طوطی‌وار یک دعای روزمره از مادرش را به روی کاغذ آورده است. ولی شنیدن آن از زبان هر مخلوقی ارزشمند است. تسبیح مکرر است و باید که آویزه‌ی گوش شود. آویزه‌ی زیبا و کلیشه‌ای ستودنی است. شاید بتوان گفت این کودک هنوز بچه است و پا از غار نورانی معصومیت خویش فراتر نگذاشته تا دنیا و رنج‌های به عقد آن درآمده را نظاره کند. ولی از کودک، جز کودکی نباید ظهور کند و اگر غیر از این باشد عجیب است. در پشت پرده جملات ساده‌ای مثل "ما شاد هستیم،

نامه بدون شک بی‌واسطه به درگاه مبارک مخاطب خود رسیده است. بی‌آنکه در این مسیر به مانعی بخورد یا فرشته‌ای زحمت حملش را کشیده باشد. اگر این نامه به دست شیطان بیفتد حتماً از خشم و نفرت شعله‌ور می‌شود. اگر دیگر پانزده سال بعد از این کودک، یعنی خود من هستم. اگر این دهساله را دوباره بر سر راه خود ببینم، به او می‌گویم: فانوس راه من باش. نخواه که بزرگ شوی. تو کودکی هستی بزرگ‌تر از بزرگ‌سالی خود.



محمد ابن عبدالله تازه مبعوث شده است و جهالت‌ها، نه شیعه‌ای درست کرده و نه سنی، همدیگر را سخت آغوش کشیدیم. آغوش برادر غربی که سال‌ها از برادر دور بوده است، انگار که می‌خواستیم برویم پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فکر می‌کردم همین مقدار بس است و بیش از این نمی‌تواند باشد، بعد از احوال‌پرسی و عیادت و صحبت‌های معمول، قصد خداحافظی داشتم که پیرمرد دوباره اشک‌آلود ولی این دفعه نه مشتاقانه که دلگیرانه گفت: روضه خواندی می‌روی.

متن زیر از عکس نوشته‌ی ارسالی، خاطره‌ی یک طلبه‌ی شیعه در یکی از کانال‌های تلگرام است. پیرمرد با سخاوت درون عکس هم محبت می‌بخشد.

اپیزود آخر:

صدای محمد، رسا و شمرده در این قرن هم به گوش ما می‌رسد: «هر کس بشنود صدای مسلمانی را که فریاد می‌کند ای مسلمانان به فریادم برسید و او کمک نکند دیگر مسلمان نیست»
ای مسلمانان...



حاج ملا هادی سبزواری
در کرمان



گویند حاج ملا هادی سبزواری در ایام تحصیل خود به کرمان رفت و بدون آنکه کسی او را بشناسد وارد مدرسه‌ای شد. از متولی مدرسه درخواست حجره نمود متولی که حاجی را نمی‌شناخت گفت آیا طلبه هستی؟

حاجی در جواب گفت: نه. متولی گفت: ما حجره را به طلبه می‌دهیم.

بالاخره متولی را راضی کرد که در گوشه حجره او استراحت نماید به شرط آنکه در کارهای مدرسه به خادم کمک نماید.

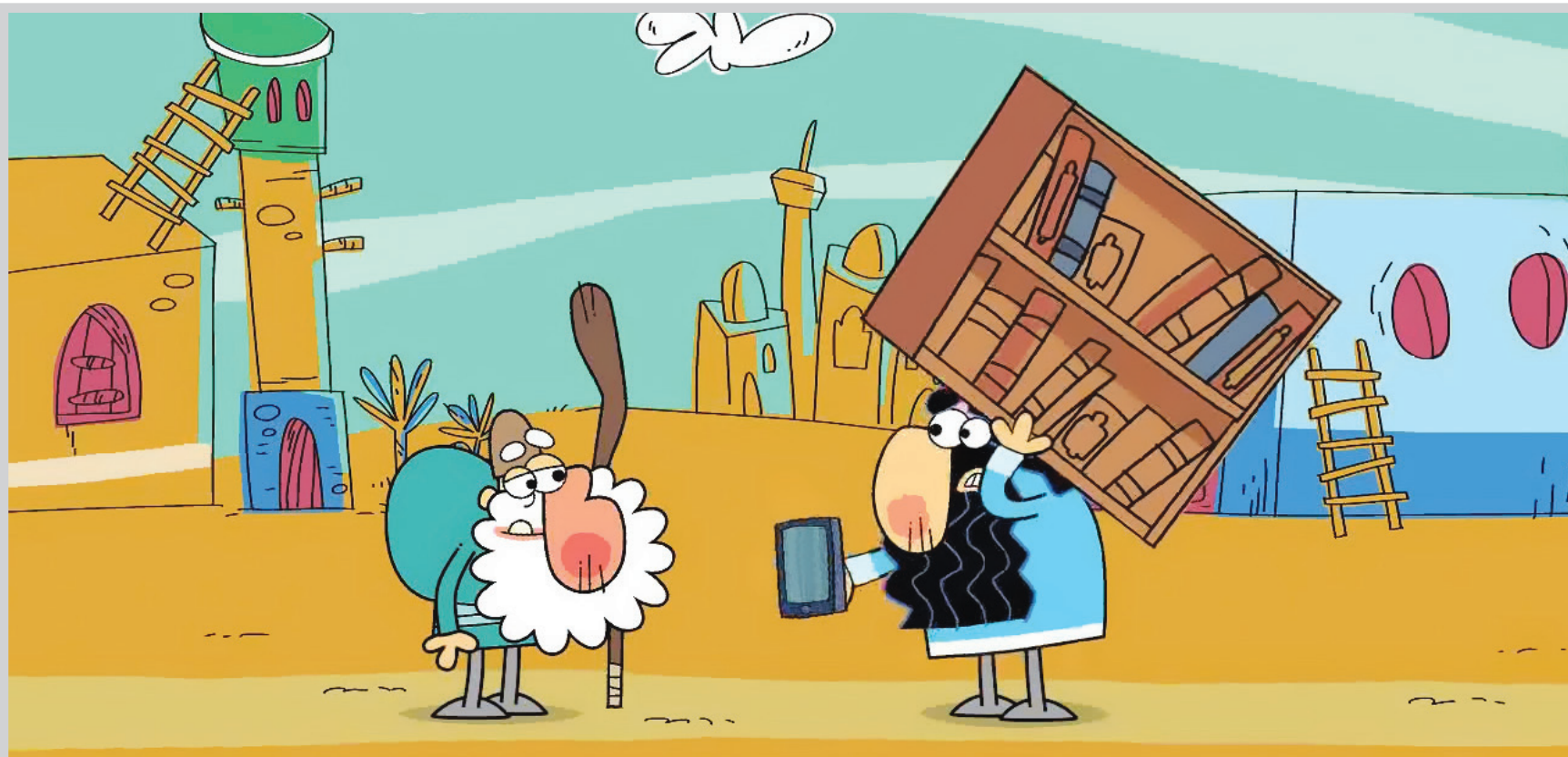
حکیم سبزواری گاه‌گاهی هم در مباحثه طلبه‌ها شرکت می‌کرد تا پس از چندی با دختر همان خادم مدرسه از دوای نمود و بعد از چند سالی با زن و بچه به سبزواری برگشت.

سال‌ها گذشت که شهرت حاجی روزبه‌روز زیادتر گردید و از اطراف برای تحصیل حکمت و فلسفه به سبزواری هجوم آوردند طلاب کرمانی به درس حکیم حاضر شدند و در مدرسه منتظر حکیم بودند که حکیم تشریف آورده منبر رفت و مشغول درس شدند.

طلاب کرمانی که او را دیدند فهمیدند که او همان داماد خادم مدرسه کرمان است از آنکه او را در آن مدت نشناخته و از مقام علمی او بی‌خبر بوده‌اند متأثر شده با هم بلندبلند حرف می‌زدند به طوری که حواس سایر طلاب را پراکنده ساختند.

پس از آنکه درس تمام شد و استاد از مدرسه تشریف برد طلاب سبزواری به طلاب کرمان اعتراض کردند، طلاب کرمانی داستان را از اول نقل کردند و همه دانستند که آن حکیم بزرگوار مدتی را در حالت گمنامی سپری کرده است.

اندر احوالات طلاب اقامتگاه نرگس



کرد و طلاب چشمه سفید پای خود را در یک کفش کرده بودند از برای اینکه وای فای می خواهیم و قرائت خانه! کارمان لنگ است و جایمان تنگ است و مگر دل های شمارا از سنگ است!؟

” خلفای ملک مدرس بگفتند و بنوشتند و بفرمودند تا طلاب بخت برگشته عیالوار را نسخه ها بیچینند و از صحنه روزگار این ملک، محو بفرمودند. آن بنا را هم دادند تا زوررقی بیچیند و به نام ”اقامتگاه نرگس“ تحویل دختران دهند که بنایی بود تاریخی، عریض و طویل با اتاقک های تودرتو و در و پنجره های قجری، که هر سوی آن را فلزات تیز و برنده آویخته کرده بودند از برای گذاردن کتب و البسه و سایر چیز میزها

و زکریای رازی قرائت خانه داشتند یا خودشان را به وای فای وصل کرده بودند؟! این ادا اطوارها را فرنگی ها در می آورند، ما که ملت متمدنی هستیم باید میراث فرهنگی خود را پاس بداریم! از برای همین فکرها بود که روز و شب و پیوسته در اندرونی و بیرونی، جمعی از پیشه وران فنون نجاری و بنایی، مسگری و آهنگری از برای رتق وفتق امور، جان برکف و آمادهی خدمت بودند و به طرفه العینی سقفی را برمی داشتند و تیغهای کار می گذاردند، گاهی با خود می اندیشیدند که شاید خوش تر آن بود که کف حمامها را شیب دار کنند و این ها، حالا خیلی هم صاف نباشد طوری نمی شود به میراث فرهنگی مان بر نمی خورد. و بدین ترتیب بود که اندیشه فرنگی ها در این اقامتگاه رسوخ

کردندی تا یقینشان حاصل شود که بیدارند و نخسبیده اند. از فضایل آن بنا، همین قدر یاد شود که آن را عمارتی بود باب میل پرندگان و چرندگان و خزندگان، دوزیستان و حتی موجودات بی هوای و تخمیری که همگی گرد هم آمده بودند تا از اینا بشر اصول و فنون تحصیلات تکمیلی را بیاموزند. سبک معماری این بنای تاریخی، مبدأ همهی تحولات عظیم دنیای هنر و معماری ایران شسناخته می شد چرا که در این عمارت، قرائت خانه های طلاب، جای خود را به حمام های نمره و آب انبارهای قرون وسطی داده بودند تا طلاب را درس ریاضت بیاموزند و هم آنکه بدانند با فانوس زیر ملحفه هم می شود مشق شب کرد و قرائت خانه و این حرفها دیگر چه صیغه ای است، مگر بوعلی سینا

تباهی این ملک همه از پی همین خیالات بیهوده و باطل باشد. از این دست سخنان گهربار، خلفای ملک مدرس بگفتند و بنوشتند و بفرمودند تا طلاب بخت برگشته عیالوار را نسخه ها بیچینند و از صحنه روزگار این ملک، محو بفرمودند. آن بنا را هم دادند تا زوررقی بیچیند و به نام ”اقامتگاه نرگس“ تحویل دختران دهند که بنایی بود تاریخی، عریض و طویل با اتاقک های تودرتو و در و پنجره های قجری، که هر سوی آن را فلزات تیز و برنده آویخته کرده بودند از برای گذاردن کتب و البسه و سایر چیز میزها ... در قصص کهن نقل گردیده که دختران این ملک به قدری از این موهبات در تحریر بودند که روزی چند نوبه دست و بال خود را به اصابت این فلزات مجروح



عاطفه سلطانی

دانشجوی کارشناسی ارشد همتالوژی دانشگاه تربیت مدرس

آورده اند روزی بهلول از ملک تربیت مدرس طهران گذر می کرد، بنایی را دید که می گفتند: روزگاری طلاب جوان با اهل و عیالشان در آن روزگاری گذراندندی تا به آن دم که خلفای این ملک به شور و مشورت بنشسته و بفرمودند: نیک تر آن است که این منازل مفت و مغانی را از طلاب عیالوار بستانیم تا برونند و فکری از برای سرپناه خویشتن بکنند و راه و رسم مردی و مردانگی بیاموزند و طلاب دیگر نیز خیال عیالواری به سر راه ندهند که

هکرهای اکانتی

خداییش خودم که هر بار نشستم، اول اکانت رو لوگ آف کردم و با اکانت و به عبارتی فارسی را هم پاس بداریم با رمز کاربری خودم وصل شدم به سرکار و جناب گوگل، بذارین یک خاطره هم در این مورد بگم؛ ولی چشمتون روز بد نبینه چند وقت پیش دوتا برادر همین که با به سیستم باز مواجه شدن بشاش بودن، از شون فیلم داندلود کردن فوران می کرد، حالا داندلود نکن کی داندلود کن، آخه خداییش این رسمشه؟! الهی که خدا شب امتحانی گرفتارت کنه، بعد بشاش بودند رو هم خوابگاهیات ببینن تا دل ما در مضیقه های اینترنتی خنک بشه. و البته راستی از اونجایی که ما از این کارای زشت نمی کردیم، خدا هم دوستمون داشت، اشتباه فکری بود، به لحظه اینترنت قطع و وصل شد فکر کردیم کسی حق مارو لود کرده، الحمدالله تحقیقمون هم ردیف شد، با اجازه تون بریم فیلممون رو ببینیم، ساعت دوی نیمه شب.



که سؤالی خدارو سرچ کنه پس باید از نماز و روزه های یکی در میونت بهش بدی تا یقنهات رو ول کنه. هر بار که رفته سایت کامپیوتر دانشگاه با اکانت های باز مواجه شدم که همینجوری سیستم رو هم باهانش خاموش کردن،

هستن. حالا مسائل آخرتیش بماند که روز قیامت وقتی بفهمه شما دوست عزیز اکانتشو دزدیدی، یقنهات رو به جوری خفت میکنه که نگو و نپرس. و مطمئنا توی صحرای محشر اکانت نداری که بهش پس بدی، تازه پس بدی هم بدرش نمیخوره

دانشجوی بدبختی که لحظه شماری میکنه تا بشه دوازده شب یکشنبه و به عبارتی بامداد دوشنبه تا در دودل های دانشجوییش رو از اینترنت طلب کنه در کمتر از صدم ثانیه به معنای واقعی دق میکنه وقتی میبینه سوءاستفاده گرهای همچون...

شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوژی دانشگاه تربیت مدرس

یعنی کی میتونه باشه این وقت شب؟! ... که اکانت منو خالی کرده باشه یعنی هیییییچ چی زیباتر و دل نوازتر و دل نشین تر و دل انگیز تر و خداییش جانانه تر از این نیست و نمی باشد و نخواهد بود که این شب امتحانی بخوای پاورپوینت تحقیقت را آماده کنی و انشا الله، اکه خدا قبول کنه برای فردا تحویل استاد بدی بعدش بهو ببینی یه قرون هم از اعتبارت نمونه که نمونده.

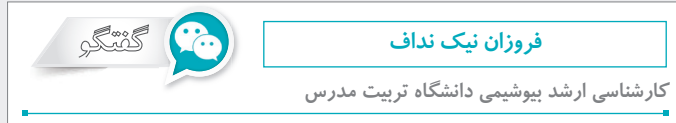
من نمی دونم این چه کار زشتیه، آخه برادر من، خواهر من، شما خوشت میاد همچین کاری با شما انجام بدن که با برادر و یا خواهر هم دانشگاهیت انجام میدی؟! میدونی یعنی چی؟! یعنی وقتی بدون اجازه و در نهایت خوشحالی بدون اجازه ی

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام
مدیر اجرایی و ویراستار: سوده شجاعی
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

دو هفته نامه
فرهنگی، اجتماعی،
سیاسی و خبری
دانشگاه
تربیت مدرس

با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



کارشناسی ارشد بیوشیمی دانشگاه تربیت مدرس

سیده سوما جوان کارآفرین دانشگاهی در گفتگو با چشمه:

با تلاش و کوشش هیچ دری بسته نیست

بالخره می‌خواهی چه کاره شوی؟ به آینده فکر کرده‌ای؟ درس‌هایی که می‌خوانی چقدر در بازار کار مشتری و هوادار دارد؟ بعد از فارغ التحصیلی چه کاری باید کنی؟ چه سرنوشتی در انتظار من است؟ این‌ها و هزاران سؤال دیگری که در ذهن هر یک از ما به وجود می‌آید بخشی از سؤالاتی است که پاسخش همگی در استعداد و تلاش ما دارد. اینکه منتظر باشی تا برایت آینده را بسازند یا اینکه خودت دست‌به‌کار شوی! این‌ها همه دست خود ماست. نمونه بارز هم دانشجویان سیده سوما ابراهیم است. جوان کارآفرینی که برخلاف مسیر همیشگی آب حرکت کرد و با موفقیت در حال طی کردن پله‌های ترقی است. با او در این باره به گفتگو نشستیم:

■ خانم ابراهیمی از دوران بعد از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد بگوئید؟

من بعد از فارغ التحصیلی در سال ۹۳، بعد از چهار ترم تحصیلی و با توجه به علاقه‌ی زیاد به ادامه‌ی تحصیل برای شرکت در آزمون دکترا با اشتیاق زیاد شروع به مطالعه کرده و با رتبه و رزومه‌ی نسبتاً خوبی وارد مرحله‌ی مصاحبه شدم ولی متأسفانه به دلایلی در مقطع دکترا پذیرفته نشدم. رد شدن در این مقطع برای من بسیار سخت و ناراحت‌کننده بود و از نظر روحی واقعا اذیت شدم ولی این ناراحتی زیاد طول نکشید وقتی به خودم آمدم، گفتم باید قوی باشم و برای ادامه‌ی یک زندگی بهتر و موفق شدن تلاش کنم دو روز بعد از جواب نهایی آزمون دکترا تصمیم گرفتم در روزنامه‌ها و سایت‌های کارایی به دنبال کار باشم جاهای مختلفی رو برای کار جست‌وجو کردم ولی با توجه به محدودیت‌هایی که جهت انتخاب محل کار داشتیم با توکل بر خدا و بعد از یک هفته؛ کاری مرتبط با رشته خودم پیدا کردم و در یک شرکت در حوزه‌ی گیاهان دارویی با مدیریت یک خانم مشغول به کار شدم.

■ از کجا به فکر شروع یک کسب و کار افتادید؟

در مدت یک سال که در این شرکت مشغول به کار بودم به طور همزمان در زمینه‌ی رشته تحصیلی

خودم (کشاورزی) و همچنین طب سنتی مطالعات زیادی داشتم. و سعی کردم مهارت‌هایی را نیز در این حیطه کسب کنم. کار کردن در این شرکت فرصت مناسبی بود برای آشنایی با اساتید خوب و افراد آگاهی که بعدها شاید نقش مؤثری در موفقیت‌های بعدی من داشتند. بعد از این یک سال تصمیم گرفتم موقعیت کاری خودم را که خیلی از نظر درآمد و امنیت مناسب بود از دست بدهم و به فکر شروع یک کسب‌وکار جدید افتادم به موجب آن در دوره‌های آموزشی مختلفی شرکت کردم و گاه زیر نظر اساتید با تجربه، طب سنتی را بیشتر و بیشتر دنبال نمودم. در این مسیر سختی‌های زیادی را تحمل کردم ولی تجربه و علمی که بدست آوردم واقعا برای من ارزشمند بود. و از اینجا بود که برای شروع یک کسب‌وکار با اتکا به مهارت‌ها و توانایی‌های خودم مصمم‌تر شدم.

■ در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

یک سری از مشکلات همچون کمبود سرمایه؛ سخت‌گیری‌هایی مربوط به کسب مجوز باوجود تحصیلات در یک دانشگاه معتبر و توانایی‌هایی که فرد برای یادگیری آن‌ها تلاش زیادی کرده است. مشکلات در زمینه سرمایه‌گذاری و گرفتن وام‌های لازم برای شروع کسب‌وکارهای جدید و در کل عدم حمایتی که از کارآفرینان می‌شود.

یک سری از ناکارآمدی‌ها و موانع هم مربوط به خود فرد می‌شود مثل عدم شناخت بازار و شیوه‌ی بازاریابی ولی هیچ‌کدام از این موارد مانع پیشرفت و دلیلی برای توقف نیست.

■ کارآفرینی را چطور تعریف می‌کنید؟

سرمایه هرگز ایده را به حرکت در نمی‌آورد بلکه این ایده است که محرک سرمایه است و موفقیت در کسب‌وکار، با ایده‌ی نوآورانه و خلاق که به همراه سرمایه منجر به ارائه‌ی محصول جدید در بازار می‌شود رقم می‌خورد که این را اصطلاحاً کارآفرینی می‌گوییم. به نظر من کارآفرینی یعنی امید و پویایی که در جوانان باید باشد. آمیدی که مایه حرکت و سرزندگی بشود.

■ از کجا به‌طور جدی شروع کردید و اکنون در کجای مسیر کارآفرینی قرار دارید؟

در ابتدا بعد از پشت سر گذاشتن تمام موانع و مشکلات یک شرکت را با مجوز فعالیت در حوزه‌ی گیاهان دارویی ثبت کردم و تدریجاً در زمینه‌ی بسته‌بندی و فرآوری گیاهان دارویی مشغول به فعالیت شدم. در ادامه با ارائه‌ی توانایی‌ها؛ رزومه و زمینه‌ی فعالیت‌های خودم با جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس، شروع به همکاری نموده و اکنون در زمینه‌ی رشته‌ی تحصیلی خودم و سایر دوره‌های کارآفرینی مشغول به مدیریت آموزشی می‌باشم.

به‌گونه‌ای که در حال حاضر یک سری از دوره‌های آموزشی تخصصی و عمومی در حوزه‌های مختلفی از جمله شناخت گیاهان دارویی، مواد مؤثره، داروسازی گیاهی، ساخت کرم‌های دارویی، طب سنتی، اسانس‌گیری و ... با همکاری اساتید برجسته‌ای برگزار می‌کنیم. هر کدام از این دوره‌ها، دوره‌های مهارتی‌ای هستند که در پایان دوره فرد با یادگیری آن‌ها و کسب مدرک معتبر از جهاد دانشگاهی می‌تواند وارد بازار کار شده و با پتانسیل‌هایی که در زمینه‌های مذکور هست پیشرفت کند.

در پایان باید این نکته را یادآور شوم که طی کردن این مسیر به من آموخت که هیچ دری بسته نیست شاید این ذهن ماست که به تمام درهای بسته قفل می‌زند و شانس باز شدن را از آن‌ها می‌گیرد. تلاش و پشتکار چیزی است که حتی استعدادهای عظیم را متحیر خودش می‌کند.

در ابتدا بعد از پشت سر گذاشتن تمام موانع و مشکلات یک شرکت را با مجوز فعالیت در حوزه‌ی گیاهان دارویی ثبت کردم و تدریجاً در زمینه‌ی بسته‌بندی و فرآوری گیاهان دارویی مشغول به فعالیت شدم. در ادامه با ارائه‌ی توانایی‌ها؛ رزومه و زمینه‌ی فعالیت‌های خودم با جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس، شروع به همکاری نموده و اکنون در زمینه‌ی رشته‌ی تحصیلی خودم و سایر دوره‌های کارآفرینی مشغول به مدیریت آموزشی می‌باشم. به‌گونه‌ای که در حال حاضر یک سری از دوره‌های آموزشی تخصصی و عمومی در حوزه‌های مختلفی از جمله شناخت گیاهان دارویی، مواد مؤثره، داروسازی گیاهی، ساخت کرم‌های دارویی، طب سنتی، اسانس‌گیری و ... با همکاری اساتید برجسته‌ای برگزار می‌کنیم. هر کدام از این دوره‌ها، دوره‌های مهارتی‌ای هستند که در پایان دوره فرد با یادگیری آن‌ها و کسب مدرک معتبر از جهاد دانشگاهی می‌تواند وارد بازار کار شده و با پتانسیل‌هایی که در زمینه‌های مذکور هست پیشرفت کند.

خاص‌ترین مخاطبای دانشگاهین اون هم با اختلاف زیاد در صدر جدول! ولی جدا از اینها اگه مؤلفه خاصی برای عام‌تر شدن نشریه دارید بفرمایید.

* کاش بیشتر به موضوعات و مشکلات کتابخانه‌ها و دانشکده‌ها پرداخته بشه.

✓ چشمه: مشکلاتتون رو با ما در میان بذارید تا بچه‌ها نشریه مطلب بنویسند یا اینکه خودتون دست به کار شوید. کاری نداره. شماها همتون تون نوشتن استادی. پس شروع کنید همین الان. منتظریم.

✓ چشمه: ما صفحه دانشگاهمون و برخی صفحات داستانی مون مستقیم و غیرمستقیم به موضوعات صنفی می‌پردازه ولی باز چشم. حتما روی این قسمت کار ویژه می‌کنیم. اما شما هم به ما سوژه‌های ناب بدید.

* نشریه به خورده مخاطبش خاص داره کمی عام‌ترش کنید.

✓ چشمه: خاص؟ عام؟ شیب؟ چشم. ما نشریه‌مون خاصه چون مخاطبمون خاصه خب. بچه‌های مدرسی همیشه بهترین و

فرستاده‌اند... دفعه بعد شما پیام بدهید به ما! دوستان داریم. اون هم زیاد! خیلی زیاد!

* لطفاً قسمت شعر و داستان کوتاه رو به موضوعات نشریه اضافه کنید.

✓ چشمه: چشم. حتما. اما خب شعری تربیت مدرس هم دست به کار شن و شعراشون رو برای ما بفرستن.
* چرا کمتر به موضوعات صنفی می‌پردازید. ما انتظار داریم پیگیر مشکلات صنفی ما باشیم.

تلگرامیسم به خاطر ایسم آخرش یک مکتب است. مرید زیاد دارد و تادلتان بخواید مراد. مبدع هم دارد. موسس‌رامی گویم. فکر نکنید با یک فرقه طرف هستید. نه! اینجا قرار است شماها از طریق چشمه حرف‌هایتان را به گوش فلانی برسانید. راستی مانیسفت این مکتب این است که گوش‌ات را برداری و به telegram.me/cheshmehmag پیام بدهی از طریق تلگرام دوست داشتنی. ما هم قول می‌دهیم بازتاب دهیم. دشت اول را هم چند نفر از دوستان خودتان

تلگرامیسم!

